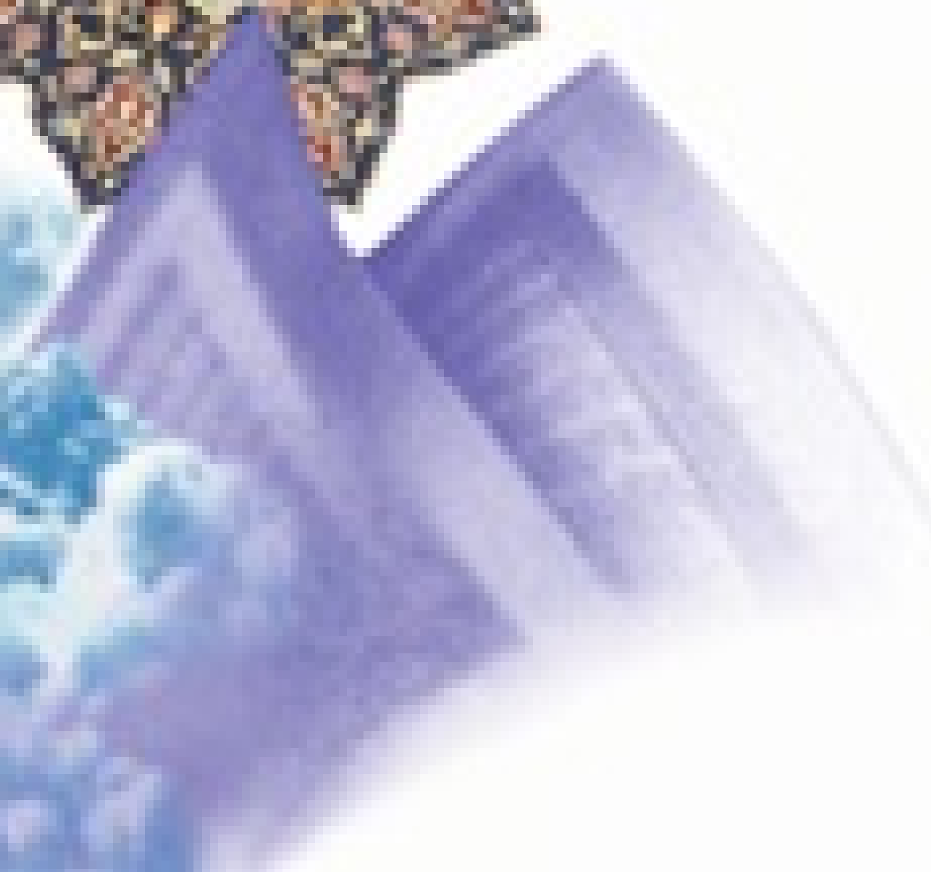
مباحثی پیرامون امام مهدی (عج)

مولف: آیت الله سید محمد باقر صدر





بسم الله الرحمن الرحیم

مباحثی پیرامون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

محمد باقر صدر

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مباحثی پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : صدر، محمدباقر

عنوان و نام پدیدآور : مباحثی پیرامون حضرت مهدی (ارواحنا فداه)/ تالیف محمدباقر صدر ؛ ترجمه لطیف راشدی، سعید راشدی؛ با تحقیق عالمانه عبدالجبار شراره.

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۷۹ص.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۴۹-۰

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

یادداشت : کتابنامه: ص. [۷۳] - ۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

شناسه افزوده : راشدی، لطیف، مترجم

شناسه افزوده : راشدی، سعید، مترجم

شناسه افزوده : شراره عبدالجبار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ص۴م۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۰۶۲۸۸

ص:۱

اشاره

مقدمه ناشر

حمد و ستایش

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه رب العالمین، باری الخلائق اجمعین باعث الانبیاء والمرسلین، رافع السموات و خافض الارضین، و الصلوه علی من اختاره من شجره الانبیاء و مشکوه الضیاء و مصابیح الظلمه و ینابیع الحکمه، مولانا و مولی الکونین، سیّدنا و سیّد العالمین، الروح المجسَّد و الجسَّد المروّح أعلنی ابوالقاسم المصطفی محمّدصلی الله علیه وآله و علی اولاده الاطیبین الا نجبین و لعن الدائم علی اعادیهم من الآن الی یوم الدین.

حمد بی بدایت و سپاس بی نهایت سزاوار و شایسته ذاتی است که جهان تاریک را به انوار دانش روشن و صفحات قلوب را به ضیاء معرفت، مزیّن نمود.

و درود فراوان بر سرور کائنات و خاتم الانبیاء پیامبر اکرم و گرامی اسلام حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و بر خاندان مطهر و عترت پاکش حضرت فاطمه زهراعلیها السلام و ائمه دوازده گانه علیهم السلام.

امّا بعد

پیرامون مقوله مهدویّت، به برکت وجودی آن امام همام - ارواحنا فداه - به طور مقبول قلم فرسایی گردید. (سعیهم مشکور)، امّا ابتکار، عالم و مجتهد مجاهد و فیلسوف و اندیشمند مبارز و انقلابی، مرجع عالیقدر و افتخار آفرین

جهان تشیّع استاد علّامه حضرت آیت اللَّه العظمی سیّد محمّد باقر صدرقدس سره در کتاب گران سنگ خود «بحث حول المهدی» مایه مباهات و خرسندی می باشد.

کتاب یاد شده در عین حجم کم آن، می توان آن را کتابی جامع و مانع و بسیار مبارک و پُر محتوا بشمار آورد.

آن مرجع شهید سعی نموده تا در این کتاب، به شبهات و سؤالات عمده و مهمّ، پاسخ علمی، منطقی و متقن بدهد، و پاسخ گوی برخی شبهات زمان حیات مبارک خود باشد.

قلم توانمند و منطق علمی آن مرجع مجاهد، در زمینه های گوناگون فلسفی، منطقی، اقتصادی، تفسیری، کلامی و فقهی را می توان در تمام کتاب هایش به روشنی و وضوح مشاهده کرد و استفاده نمود. سر تا سر مطالب این کتاب، مسلح به منطق قوی و آموزه های علمی می باشد؛ امّا در برگردان آن از عربی به پارسی، سعی شده تا عبارات و جملات و مطالب مغلق، روان و سلیس شوند و تقریباً برای همگان قابل استفاده باشد.

به ویژه با تحقیق عالمانه و استادانه آقای «دکتر عبدالجبار شراره» و استخراج منابع و توضیح برخی مطالب در پانوشت، امکان استفاده عامه فراهم شده و تعمیم گردیده است.

بر خود واجب و لازم می دانم تا یادی از آن بزرگ مرجع مجاهد بنمایم و گوشه ای از زندگی سراسر برکت او را به قدر مقتضی بیان نمایم و خواهیم دید که چگونه آن مرد مجاهد و عالم و فقیه مبارز سراسر عمر پُر برکت خود را در راه خدمت به دین مقدس اسلام او اهل بیت علیهم السلام سپری نمود و سرانجام در مسلخ عشق شهید شد و به استکبار، «آری» نگفت.

او در اسلام ذوب شده بود و در واپسین حیات و زندگی پُر برکت خود فرمود: «در امام خمینی قدس سره ذوب شوید، همان سان که او در اسلام ذوب شد.»

به امید آن که رهروی صادق و خالص آنان باشیم.

خلاصه زندگی نامه حضرت آیت اللّه العظمی سیّد محمّد باقر صدرقدس سره

اشاره

علامه شهید، آیت اللّه سیّد محمّد باقر صدر، یکی از بزرگ ترین اندیشمندان مسلمان و به تعبیر امام خمینی: «مغز متفکّر اسلامی» در تاریخ اسلام به ویژه در قرن چهاردهم هجری است. فقیهی جامع الشرایط، فیلسوفی اجتماعی، مفسری بزرگ، متفکری آگاه به فرهنگ و علوم زمانش، نویسنده ای توانمند و پرکار و سیاست مداری هوشمند و شجاع و دردمند.

از میلاد تا مدرسه

سیّد محمّد باقر صدر در تاریخ ۲۵ ذیقعده ۱۳۵۳ در شهر مقدس کاظمین دیده به جهان گشود(۱) و دومین فرزند خانواده بود. اجدادش همه از عالمان دین بودند؛ پدرش سیّد حیدر که جوان مرگ شد، پدر بزرگش آیت اللّه العظمی سیّد اسماعیل صدر که یکی از مراجع بزرگ تقلید شیعه در نیمه اوّل قرن چهارده اسلامی بود و در سال ۱۳۳۸ هق وفات کرد و دیگر اجدادش که شاخه هایی سرسبز و پربار از شجره پربرکت «خاندان صدر» و از تبار غیرتمند و پاک امام کاظم علیه السلام بوده اند و در سرزمین ایران، لبنان و عراق از پاسداران فرهنگ و اندیشه و دانش و دین به شمار می رفته اند.

برادر بزرگ و معلمش سیّد اسماعیل نیز از علماو مجتهدان پرتلاش و جوان نجف بود که در سال ۱۳۸۸ ه.ق در چهل و هشت سالگی درگذشت.

۱- ۱. مباحث الاصول، سیّد کاظم حسین حائری، چاپ ۱۴۰۷، قم، مقدمه، ص ۳۳.

خواهرش «آمنه بنت الهدی صدر» یکی از زنان دانشمند ،شاعر، نویسنده و معلم فقه و اخلاق بود که در مسیر جهاد و مبارزه، با برادرش سیّد محمّد باقر همگام شد و سرانجام سرنوشت هر دو به شهادت و سعادت ابدی ختم گشت.(۱)

سیّد محمّد باقر، از پنج سالگی به مدرسه رفت و تا یازده سالگی دوره ابتدایی را به اتمام رساند. در این دوران، نبوغ شگفت انگیز و استعداد سرشار خدادادی او درخشید و تعجب آموزگاران و همکلاس های خود را برانگیخت، به طوری که اولیای مدرسه تصمیم گرفتند او رابه مدرسه کودکان تیزهوش و نابغه بگذارند تا به هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم و قانونی، به دانشگاه های اروپا یا آمریکا اعزام کنند و در رشته های علوم جدید تحصیل کند و به کشور خود بازگردد.

او به تحصیل علوم دینی و پرداختن به رشته کار پدرانش گرایش داشت و از طرفی مادر و برادر بزرگش رضایت ندادند که او با پول دولت وابسته به غرب و دست اندرکاران خود باخته آموزش و پرورش آن روز عراق، درس بخواند...

بالاخره با راهنمایی دو دایی فقیه و دانشمندش آیت اللّه «شیخ محمّد رضا آل یاسین» و آیت اللّه «شیخ مرتضی آل یاسین» به فراگیری دروس حوزوی و علوم دینی پرداخت.(۲)

تحصیلات علوم دینی را با کتاب «معالم الاصول» نزد برادرش سیّد اسماعیل آغاز کرد و دیگر کتاب های دوره سطح حوزه را با شور و شوق و تلاش بسیار در مدّتی کوتاه خواند و تمام کرد.

او علاوه بر تحصیل، دروس ابتدایی را نیز به خواهرش بنت الهدی می آموخت

ص:۱۰

۱- ۲. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی زاده، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ ۱۳۷۲، ص ۱۸ – ۱۷.

۲- ۳. همان، ص ۲۳.

و بنت الهدی بی آنکه به مدارس نامناسب دخترانه آن روز عراق پای بگذارد، نزد برادرش سیّد محمّد باقر و گاه سیّد اسماعیل، قرآن، ادبیات، تاریخ، حدیث، فقه و اصول و... را آموخت.(۱)

در نجف اشرف، شهر امامت و فقاهت

در سال ۱۳۶۵ ه.ق که دوازده ساله بود به همراه برادرش سیّد اسماعیل به نجف اشرف رفت تا در محضر اساتید بزرگ حوزه علمیه شهر امامت، به تحصیلات عالی بپردازد.

او دوره عالی فقه و اصول را در نزد مرحوم آیت اللّه العظمی سیّد ابوالقاسم خویی و مرحوم آیت اللّه شیخ محمّد رضا آل یاسین گذراند.(۲) فلسفه اسلامی (اسفار ملاصدرا) را از مرحوم «شیخ صدرا بادکوبه ای» آموخت و در کنار آن، طی سال ها، فلسفه غرب و نظرات فلاسفه غیر مسلمان را به دقّت مورد تحقیق و نقد قرار داد.(۳) کتاب «فَلسَفَتُنا» (فلسفه ما) گویای ابعاد گسترده اندیشه های فلسفی سیّد محمّد باقر صدر است.

در دیگر رشته های علوم حدیث، رجال، درایه، کلام و تفسیر نیز سال ها به تحصیل و تحقیق و مطالعه گذراند و به کمال رسید.

سیّد محمّد باقر در طول هفده - هیجده سال تحصیل (از آغاز تا پایان) علاوه بر استفاده از هوش و استعداد و نبوغ فوق العاده اش، روزانه حدود شانزده ساعت به تحصیل و مطالعه و مباحثه و تحقیق می پرداخت.(۴) و خودش نیز همیشه می گفته است که من به اندازه چند طلبه درس خوان، تلاش می کنم. در سایه

۱- ۴. پیشین، ص ۲۴.

۲- ۵. مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۲.

۳- ۶. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۹.

۴- ۷. مباحث الاصول، مقدمه، ص ۴۴.

این پشتکار جانانه بود که بر همه مشکلات فایق آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست یافت و گفته اند که از هنگام بلوغ شرعی، خود مجتهد شده بوده و از مجتهد دیگری تقلید نکرده است.(۱)

تعلیم و تربیت

سیّد محمّد باقر از بیست سالگی با تدریس کتاب «کفایه الاصول»(۲) تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست سالگی به تدریس دروس خارج فقه و اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب «العروه الوثقی»(۳) پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی جوان، محقق، پرشور، متّقی، متفکر، آگاه، مجاهد و سیاست مدار تربیت کرد، که هر یک از آن ها بعدها پرچمدار نشر علم و فرهنگ و آیین جهاد در راه خدا شدند و بعد از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی و اجتماعی او را ادامه دادند از جمله:

۱. سیّد محمّد باقر حکیم

۲. سیّد محمود هاشمی

۳. سیّد کاظم حسینی حائری

۴. شیخ مهدی آصفی

۵. سیّد عبدالغنی اردبیلی

۶. شیخ غلامرضا عرفانیان و...(۴)

---

۱ – ۸. پیشین، ص ۵۲.

۲ – ۹. از مهم ترین کتب اصول فقه شیعی، تألیف آخوند خراسانی، که محور تدریس اصول فقه در سطوح عالی حوزه های علمیه است.

۳– ۱۰. کتابی فقهی و بسیار مهم، تألیف مرحوم آیت اللّه سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی.

۴– ۱۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به: مباحث الاصول، ص ۸۳ – ۷۹؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۴ – ۳۳؛ گفت و گویی با حجّه الاسلام سیّد محمّد باقر مهری، چاپ ۱۳۶۱ ه.ش، ص ۲۰.

حزب دعوت اسلامی

بعضـی از عالمان آگاه و روشن بین از جمله شـهید سیّد محمّد مهدی حکیم، سیّد طالب رفاعی، شیخ مهدی سماوی، پس از مطـالعه اوضـاع سیاسـی و اجتماعی عراق، به این نتیجه رسـیده بودنـد که بایـد حزبی را مبتنی بر انـدیشه و ایـدئولوژی اسـلامی تأسیس کنند، تا بتوانند مبارزات مسلمانان آن سامان را سر و سامان بدهند و به اهداف خود نائل آیند. پس از مطرح کردن این اندیشه با آیت اللّه صدر، «حزب الدعوه الاسلامیه» (حزب دعوت اسلامی) را در سال ۱۳۷۷ ه.ق تأسیس کردند.(۱)

آیـت اللّه صـدر اسـاس نـامه ای را نیز بر اسـاس اعتقـادات دینی برای حزب دعـوت تنظیم کرد. حزب دعـوت به فعـالیت خـود پرداخت، آیت اللّه سیّد محمّد باقر صدر پنج سال بعد از تأسیس حزب، بنا به مصالحی خود را از آن کنار کشـید. امّا به دیگر اعضای حزب توصیه کرد که به کار خود ادامه دهند و او نیز پشتیبان آنان خواهد بود.(۲)

جماعه العلماء

در سال ۱۹۵۸ م. «عبدالکریم قاسم» با ظاهری پیشـرو و چپ نما به حکومت عراق رسید و میدان را برای کمونیست ها باز کرد. در نتیجه آن، موجی الحادی و مخالف اسـلام، سـرزمین عراق را فرا گرفت. حوادث دوران حکومت عبـدالکریم قاسم، عالمان آگاه و متعهد شـیعه را در آن کشور به حرکت وا داشت. آنان ضـروری دیدند که برنامه اجتماعی، سیاسـی، اقتصادی و فکری مکتب اسلام

ص:۱۳

۱- ۱۲. مباحث الاصول، ص ۸۸.

۲- ۱۳. همان؛ ص ۸۹ - ۸۸؛ گفت و گویی با سیّد محمّد باقر مهری، ص ۳۵؛ شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۵۸ - ۵۳.

را هماهنگ بـا نیازهـای حیـات بشـر معاصـر عرضه نماینـد. بـدین گونه، تشـکیل «جماعه العلماء فی النّجف الاشـرف» (جامعه روحانیت نجف اشـرف) پدید آمد و عالمان بزرگی همچون شـیخ مرتضـی آل یاسین، شیخ محمّد رضا آل یاسین، شیخ محمّد رضا مظفر و شهید سیّد مهدی حکیم (فرزند آیت اللَّه سیّد محسن حکیم) از اعضای اصلی آن بودند.

سیّد محمّد باقر صدر در آن زمان گرچه به خاطر جوان بودن نسبت به سایر اعضاء، که کمتر از سـی سال داشت، عضو جماعه العلماء نبود، ولی با آنان همکاری جـدی داشت و حتّی نخستین بیانیه جماعه العلماء را نیز او نوشت! و اکثر نوشـته های آنان به قلم او نوشـته می شد؛ زیرا وی قلمی توانا و نثری محکم و نو داشت و آگاهی های سیاسـی و اجتماعی و فلسفی او نیز وسیع تر از دیگران بود. انتشـار مجله «الاـضواء» در سـال ۱۹۶۱ م مهم ترین فعـالیت فرهنگی جمـاعه العلمـاء بود که سـرمقاله هـای پنج شمـاره اوّل آن تحت عنوان «رسالتنـا» به قلم آیت اللَّه سـیّد محمّـد بـاقر صـدر نگارش یافت و خواهرش بنت الهـدی نیز در این مجله مقالات خود را به چاپ می رساند.(۱)

همزمـان بـا این فعـالیت هـا، به پیشـنهاد مرحوم آیت اللَّه سـیّد محسن حکیم - مرجع تقلیـد وقت - کتاب کم نظیر «فلسـفتنا» را تألیف کرد.(۲) این کتاب در دو بخش تنظیم شده است:

بخش اوّل: نظریه شناخت (معرفت) از دیدگاه های فلاسفه معاصر، در مقایسه با فلسفه اسلامی.

۱- ۱۴. التحرک الاسلامی فی العراق، شهید سیّد محمّد مهدی حکیم، ص ۲۱.

۲- ۱۵. همان، ص ۶۰.

بخش دوم: بینش فلسفی اسلام درباره جهان و نقد و ردّ جهان بینی مادّی و الحادی.

از آن پس به بررسی نظام های اقتصادی اسلامی و مکاتب شرق و غرب (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) پرداخت که حاصل این تحقیق عمیق و بی سابقه، کتاب پر ارج «اقتصادنا» (اقتصاد ما) شد. این کتاب پر ارج نخستین اثری است که سیستم اقتصادی اسلام را در طرحی علمی و محققانه ارائه کرده و دو بخش است:

بخش نخست: در این بخش مکتب های اقتصادی شرق و غرب را بررسی کرده و به محک نقد روشن بینانه و عالمانه زده و مردود و فاقد ارزش دانسته است.

بخش دوم: طرح تفصیلی سیستم اقتصادی اسلام.

این کتاب در سال ۱۳۸۱ ه.ق به چاپ رسید.(۱)

۱- ۱۶. مشتاقان می توانند برای آشنایی بیشتر به متن کتاب، چاپ شانزدهم، بیروت، ۱۴۰۳ ه.ق. یا به ترجمه آن {اقتصاد ما} جلد اوّل به قلم آقای محمّد کاظم موسوی، و جلد دوم به قلم آقای عبدالعلی سپهبدی، مراجعه نمایند.

حمایت از امام

سیّد محمّدباقر صدر، نهضت امام خمینی در ایران را روزنه امیدی برای نجات امّت اسلامی می دانست. بنابراین از آغاز نهضت اسلامی امام در سال (۱۳۴۲ ه.ش)، آن را تحت نظر داشت و از امام و حرکتش حمایت می کرد.

در تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵، حضرت امام خمینی از تبعیدگاه ترکیه به نجف اشرف منتقل شد. ورود امام به حوزه علمیه نجف، جنب و جوشی در آن ایجاد کرد. علما و روحانیون نجف درباره استقبال از امام، نظرات مختلفی داشتند. آیت اللَّه صدر با اشتیاق تمام به همراه عدّه ای از علمای دیگر، در مراسم استقبال از امام شرکت، و شاگردان و همفکرانش را نیز به آن دعوت کرد... در تمام چهارده سال اقامت امام در نجف، سیّد محمّد باقر با ایشان ارتباط نزدیکی داشت و به او عشق می ورزید، عشقی که تا آخر عمر در بین او و امام بود.(۱)

دوران مرجعیت

دوران مرجعیت آیت اللَّه سیّد محمّدباقر صدر، پس از وفات آیت اللَّه حکیم (۱۳۹۰ ه.ق) آغاز شد و بسیاری از مردم عراق از او تقلید کردند.(۲)

در سال ۱۳۹۲ هق رژیم بعث عراق، بیش از پیش از تحرک های ضدّ استبدادی حزب دعوت اسلامی ودیگر گروه های مبارز و مسلمان به وحشت افتاد، بنابراین با یورش به خانه های مبارزان و مجاهدان، عده زیادی را دستگیر و زندانی کردند. آیت اللَّه صدر نیز با اینکه بیمار بود و در بیمارستان نجف بستری شده بود،تحت نظر مأموران سازمان امنیت رژیم بعث قرار گرفت.

۱- ۱۷. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۳۹.

۲- ۱۸. همان، ص ۶۱.

تا اینکه با اعتراض مردم و علما، سازمان امنیت دست از او برداشت.(۱)

در سال ۱۳۹۴ ه.ق رژیم بعث عراق، پنج تن از شاگردان و مریدان صدر، یعنی شیخ عارف بصری، سیّد عزّ الدین قبّنچی، سیّد عماد الدین طباطبایی تبریزی، حسین جلوخان و سیّد نوری طعمه، را دستگیر و اعدام کرد! این گروه شهیدان، طلایه دار شهدای انقلاب اسلامی عراق بودند. این حادثه اثر ناگوار و سنگینی بر روح آیت اللّه صدر گذاشت و مدّت ها به سختی متأثر و بیمار بود.

از حوادث مهمّ دیگر در دوران مرجعیت آیت اللّه صدر، حرکت اربعین سال ۱۳۹۷ بود. مردم نجف از قدیم هر سال در روز اربعین حسینی، مویه کنان و عزادار، با پای پیاده از نجف تا کربلا راهپیمایی می کنند. در آن سال، آیت اللّه صدر هر چه در توان داشت به هیئت های عزادار مساعدت کرد تا مراسم شورانگیز اربعین را هر چه باشکوه تر برگزار نمایند. آن روز ده ها هزار نفر در قالب عزاداران حسینی، اعتراض خود را علیه سلطه ضد انسانی رژیم بعث عراق، اعلام کردند.

به دنبال آن قیام تاریخی، آیت اللّه صدر، را دستگیر و به سازمان امنیت بغداد منتقل کردند، در آنجا پس از بازجویی، هشت ساعت تحت شکنجه جسمی و روحی قرار دادند. آثار آن شکنجه ها، تا آخر عمر در بدنش هویدا بود و به سختی می توانست از پله ها بالا برود.(۲)

تحریم پیوستن به حزب بعث

یکی از برنامه های خطرناک رژیم بعث عراق، «بعثی کردن نظام آموزش و پرورش» بود. به همه دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت از مدارس گرفته تا

۱- ۱۹. مباحث الاصول، ص ۱۰۷ - ۱۰۵.

۲- ۲۰. همان، ص ۱۰۹ - ۱۰۷.

دانشگاه ها تکلیف کردند که به حزب بعث عراق بپیوندند و برنامه های ضد اسلامی آن را در تمام سطوح آموزش کشور اجرا کنند. در این هنگام، آیت اللّه صدر در مقام مرجعیت و یگانه پرچمدار مبارزه با حزب کافر بعث، با صدور فتوایی، پیوستن به حزب و هر گونه همکاری با آن را تحریم کرد. این فتوا، تکلیف مردم را روشن ساخت و مردم از پیوستن به حزب و عضویت در آن پرهیز کردند. جز اندکی فرومایه و بی دین و ترسو.

تأثیر فتوای آیت اللّه صدر به حدّی بود که یکی از مسؤولان حزب در این باره اعتراف کرد:

فتوای سیّد محمّد باقر، همه نقشه های ما را نقش بر آب کرده و هیچ کس، جز عده کمی ترسو و بزدل، از پذیرفتن عضویت حزب و همکاری با آن استقبال نکرد.(۱)

بدین گونه حزب بعث، دشمن اصلی خود را شناخت.

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی

آیت اللّه صدر، از حامیان صادق امام خمینی و انقلاب اسلامی بود، امام در پاریس بود که سیّد محمّد باقر صدر، طی نامه ای پشتیبانی خود را از ایشان و ملّت انقلابی ایران اعلام و از مقام شهدای انقلاب، تجلیل کرد. همین فعالیت های او بود که ملّت مسلمان عراق را به سوی حمایت از مردم ایران سوق می داد و رژیم آمریکایی صدام حسین – حاکم خونخوار عراق – را خشمگین می کرد. در شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که شب پیروزی شکوهمند مردم مسلمان و انقلابی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره بر طاغوت آمریکایی – رژیم محمّد

۱– ۲۱. گفت و گویی با سیّد محمّد باقر مهری، ص ۵۹.

رضا پهلوی - بود. آیت اللَّه صدر در مسجد جواهری نجف اشرف به منبر رفت و برای مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و نقش امام خمینی در احیای اندیشه های دینی و اصلاح امّیت اسلام، سخن گفت و تکلیف مردم عراق را در برابر حکومت ضدّ دینی بعثی، معین کرد: قیام! قیام...

فردای آن شب، مردم عراق به دعوت رهبر خود، برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی قدس سره، در بسیاری از شهرهای عراق راهپیمایی کردند.(۱)

از دیگر کارهای آیت اللَّه صدر، در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران، تألیف سلسله کتاب های «الاسلام یقود الحیاه» در شش جلد بود که شامل بحث هایی نظیر: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت دولت اسلامی، اقتصاد جامعه اسلامی و... می شود.

با قرآن در صحنه

از کارهای شگفت انگیز آیت اللَّه صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آنها برای قیام و حرکت در مقابل حکومت جائر آن کشور، برگزاری تفسیر موضوعی قرآن بود. آن هم بعد از تعطیل کردن درس خارج فقه!

در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده بود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید؛ آن هم به جای درس خارج فقه، که این بیشتر مایه تعجب دیگران می شد. به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سؤال کردند او جواب داد:

«برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در زندگی ندارد،

۱- ۲۲. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۹۴ - ۸۹.

بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و مسلمین، که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و پوزه قدرت های شیطانی شرق و غرب را به خاک مالیده و امّت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و آرمان های انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شور آفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دل ها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی ایران آماده کنم... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، بیش از حدّ لازم در حوزه گفته می شود، امّا جای تفسیر قرآن سخت خالی است!»(۱)

درس تفسیر شهید صدر هر هفته دو روز از تاریخ ۱۷ جمادی الاول تا ۵ رجب ۱۳۹۹ طی چهارده جلسه برگزار شد.(۲) که بعد از آن رژیم طاغوتی صدام حسین از ترس بیداری مردم، درس تفسیر بیدار گونه آیت اللّه صدر را به تعطیلی کشاند.

درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت ظالمانه صدام از این پدیده خجسته اسلامی، به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هر گونه تحرک، در یک یورش وحشیانه، همه نمایندگان آیت اللّه صدر را در تمام شهرهای کشور دستگیر و زندانی کرد. شهید صدر روز ۱۶ رجب ۱۳۹۹ ه.ق را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژیم اعلام کرد. مردم به اطاعت رهبر و مرجع تقلید خود برخاستند، دست از کارهای خود کشیدند، بازارها را تعطیل کردند و برای بیعت با رهبرشان به خانه او شتافتند... همان

۱- ۲۳. پیشین، ص ۱۰۲.

۲- ۲۴. المدرسه القرآنیه، شهید صدر، ص ۲۳۹. مجموع آن چهارده جلسه درس تفسیر قرآن در کتاب «المدرسه القرآنیه» تدوین شده است.

شب آیت اللّه صـدر دسـتگیر و روانه بغـداد شد. در سازمان امنیت بغداد، از او خواسـتند که دست از پشتیبانی انقلاب اسـلامی بردارد و مردم عراق را تحریک نکند. امّا شجاعانه جواب داد.

«من یک مسلمانم و در برابر سرنوشت همه مسلمانان جهان - و نه تنها عراق و ایران - مسؤل هستم و باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم و وظیفه شـرعی منحصر به ایران و عراق نیست. حمایت از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن هم، یک وظیفه شرعی است!»(۱)

همان روز بنت الهدی، به ایراد یک سـخنرانی در حرم امام علی علیه السلام پرداخت و از مردم خواست که به خیابان ها بریزند و در مقابل دسـتگیری آیت اللّه صـدر، به رژیم بعثی اعتراض کنند. همین گونه نیز شد و رژیم برای ایجاد آرامش و جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، مجبور شد که آیت اللّه صدر را آزاد کند.(۲)

شهادت

روز ۱۸ رجب ۱۳۹۹ ه.ق، خانه آیت اللّه صدر و کوچه های اطراف آن از اوّل صـبح تا پاسـی از شب، مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده بودند و امروز آمده بودند تا بار دیگر با او بیعت کنند.

رژیم ستم پیشه صدام حسین، از تجدید پیمان امّت مسلمان عراق با مرجع و رهبرشان، سخت به وحشت افتاد و برای قطع رابطه مردم بـا آیت اللّه صـدر، نیروهـای امنیـتی را در سـر کـوچه آیت اللّه صـدر و کوچه هـای اطراف، مسـتقر کردنـد. بـدین گونه محاصره نُه ماهه خانه آیت اللّه صدر آغاز شد.(۳)

۱- ۲۵. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۲۰.

۲- ۲۶. همان، ص ۱۲۲ - ۱۰۹.

۳- ۲۷. همان، ص ۱۲۵.

در مدّت نه ماه محاصره، رژیم با فرستادن مأموران و مزدوران خود به نزد آیت اللّه صدر، سعی کرد او را از راهی که در پیش گرفته، منصرف کند، ولی آیت اللّه صدر ثابت و استوار ایستاد و همچنان از انقلاب اسلامی ایران و امام و مردم انقلابی ایران حمایت کرد و هرگز به خواسته های رژیم خونخوار صدام، گردن ننهاد.(۱) تا اینکه در بعد از ظهر گرم و سوزان روز شنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۰ (۱۶ فروردین ۱۳۵۹)، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده ای از مزدوران امنیتی، آیت اللّه صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت اللّه صدر این بار می دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت:«آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت:

«من خیلی وقت است که آماده شهادتم!»

فردای آن روز، حکومت جبار بغداد، اقدام به دستگیری بنت الهدی کرد، چون بیم داشت مبادا بنت الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت کند و رژیم را رسوا نماید!

«برزان ابراهیم»، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت اللّه صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد، تا آزاد شود و گرنه کشته خواهد شد!

آیت اللّه صدر این خواسته آن آدمکش را رد کرد و گفت:

«من آماده شهادتم، هرگز خواسته های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!...»(۲)

وقتی که مزدوران بعثی، از منصرف کردن آیت اللّه صدر و خواهرش مأیوس

۱- ۲۸. پیشین، ص ۱۳۵ - ۱۲۸.

۲- ۲۹. همان، ص ۱۴۱.

شدند، آن دو علوی پاک نژاد مظلوم را در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۴۰۰ ه.ق (۱۹ فروردین ۱۳۵۹ ه.ش) زیر شکنجه به شهادت رساندند. جنازه آن دو شـهید در جوار مرقد امام علی علیه السلام در آرامگاه خانوادگی «شرف الدین» به خاک سپرده شد.(۱)

امام خمینی، در پیامی که به مناسبت شهادت مظلومانه آن دو شهید داد، سوگ مندانه نوشت:

«.. مرحوم آیت اللّه شـهید سیّد محمّد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود، به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشـی به درجه رفیعه شـهادت رسـیده انـد. شـهادت ارثی است که امثال این شخصیت های عزیز از موالیان خود برده اند...»(۲)

باقیات صالحات

آثـار قلمی متفکر بزرگ، شـهید سیّد محمّد بـاقر صـدر، همـه علمی، تحقیقی، ابتکـاری، کـم نظیر و مـورد اسـتفاده و مراجعه اندیشمندان و اهل علم و مصداق روشن «باقیات صالحات» است.

در اینجا به معرفی فهرست گونه این آثار درخشان می پردازیم:

۱. فدک فی التاریخ (فدک در تاریخ).

۲. غایه الفکر فی علم الاصول.

۳. فلسفتنا (فلسفه ما).

۴. اقتصادنا (اقتصاد ما).

۱- ۳۰. پیشین، ص ۱۴۴.

۲- ۳۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۵۷.

۵. الاسس المنطقیه للاستقراء.

۶. المعالم الجدیده للاصول.

۷. بحوث فی شرح العروه الوثقی.

۸. دروس فی علم الاصول، معروف به «حلقات».

۹. الفتاوی الواضحه، رساله عملیه شهید صدر است که در نوع خود سبک خاصی دارد.

۱۰. البنک اللاربوی فی الاسلام (بانک بدون ربا در اسلام).

۱۱. المدرسه الاسلامیه، بحث های اجتماعی و اقتصادی است.

۱۲. بحث حول المهدی علیه السلام.

۱۳. بحث حول الولایه.

۱۴. الاسلام یقود الحیاه (اسلام راهنمای زندگی).

۱۵. المدرسه القرآنیه، درس های تفسیر موضوعی قرآن.

۱۶. دور الائمه فی الحیاه الاسلامیه (نقش امامان در اسلام).

۱۷. نظام العبادات فی الاسلام(نظام عبادی از نظر اسلام).

۱۸. حاشیه بر رساله عملیه آیت اللّٰه شیخ مرتضی آل یاسین، تحت عنوان «بلغه الراغبین» که هنوز هم چاپ نشده است.

۱۹. حاشیه بر «منهاج الصالحین» آیت اللّٰه حکیم.

۲۰. حاشیه بر مناسک حجّ آیت اللّٰه خوئی.

۲۱. حاشیه بر بخش نماز جمعه از کتاب شرائع الاسلام.

۲۲. موجز احکام الحجّ، مختصری از احکام حج.

ثواب این کتاب به روح بزرگ و مطهر آن مرجع تقلید و فیلسوف فرزانه اهدا می نماییم، به امید آن که در روز حشر و نشر از شفاعتش بهره مند گردم.

نیز به امید خشنودی مولایمان حجّت بن الحسن امام زمان - ارواحنا فداه - و گوشه چشمی که؛ «يأَيُّها الْعَزِيزُ مَسَّنا وَأَهْلَنا الضُّرُّ فَجِئْنا بِبِضَعَهٍ مُّزْجَياهٍ فَتَصَدَّقَ عَلَيْنا و اَوْف لَنا الْكَيْلِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

و آخر دعوانا اَنِ الحمدللّه رب العالمین.

قم مقدسه

العبد: لطیف مطوف راشدی

طرح پرسش هایی درباره تفکّر مهدویت

توضیح

جریـان مهـدویت، تنها یک ایـدئولوژی، تفکر و انـدیشه اسـلامی نیست که از نظر آموزش دینی مورد توجّه قرار گیرد و تلقین های دینی، آن را در افکار مردم جای دهد؛ بلکه این جریان، یک الهام فطری(۱) است که در مقابل عقاید و تفکرات دیگران، ایّام و روزهـای وعـده داده شـده درخشـانی برای تمام مردم مجسم می کنـد تا در آن، تمام ادیان الهی با همه ابعادشان محقق شونـد؛ نیز هـدف و آرمان نهایی آن است که این جریان پس از سـختی و تلاش های طولانی در طول تاریـخ در مسـیر مطمئن خود قرار می گیرد.

جریـان مهـدویت، فقـط یـک تفکر دینی که در اذهان انسان های دینـدار وجود داشـته باشـد، نیست؛ بلکه این جریان در افکار مادّیون و کسانی که افکار غیبی را قبول ندارنـد و همیشه، تاریـخ را بر اساس همین تناقضات تفسیر می کننـد، وجود دارد.(۲) در آن روز، تمام این تناقضات بر طرف می شود و صلح و امنیّت در آن،

ص:۲۶

۱- ۳۲. اشاره به این است که در ضـمیر و وجـدان انسان های ثابت وجود دارد و در نزد برخی ملّت ها به صورت اعتقادی همه گیر هست؛ زیرا در وجدان انسان ها احساس و شـعوری بسیار قوی نهفته است که هنگام شدت گرفتن مشکلات، گسترش ظلم و بزرگ شـدن آنهـا به صورت طلب و نیـاز یک منجی ظهور می کنـد و این چیزی است که پیامبران بزرگوار آن را مژده داده اند و تاریخ تمدن انسان از آن حکایت می کند. ر.ک: سـیّده الائمه الاثنی عشر؛ هاشم معروف حسینی، ج ۲، ص ۵۱۶، به نقل از کتاب ها و مصادر مختلف از جمله: نظریه الامامه عند الشیعه؛ دکتر احمد محمود صبحی.

۲ - ۳۳. اشـاره بـه عقایـد و آرزوهـای مارکسـیست هـا به روز موعـودی که طبـق عقیـده آنـان در آخرالاـمر منجر به حـاکمیت کمونیست هـا می شود و جـدال و درگیری های تلـخ، با توجّه به این نظریه معروف ماتریالیسم تاریخی پایان خواهـد پـذیرفت. ر.ک: فلسفه ما {فلسفتنا}؛ شهید صدر، ص ۲۶، ذیل مناقشه این نظریه.

حکومت خواهد کرد. این چنین تجربه های شخصی که در طول تاریخ با انسان ها همراه بوده به صورت تجاربی وسیع و تعمیم یافته، بین انسان ها مطرح می شود.

این الهام و شعور باطنی که در تمام مردم وجود دارد از روشن ترین الهامات بشری است و زمین بعد از آنکه از ظلم و جور پر شد، توسط یکی از اولیا الهی پر از عدل و داد می شود(۱).

زمانی که قرار باشد این الهام فطری مورد تأیید دین و ایمان قرار گیرد و عقیده مذهبی که مستقیماً به خداوند منسوب است، این تفکر و شعور را در ذهن به عنوان یک یقین و باور کامل پی ریزی کند و این حقیقت را با کمال صراحت تأکید کند که زمین در آخرین روزهای خود از عدل و داد پر می شود. در این موقع این شعور باطنی به شکل یک ایمان مستحکم، سرنوشت انسان ها را روشن می کند.

اثر ایمان و یقین فقط این نیست که انسان ها را در مقابل سختی، درد و مشکلات تسلی دهد ونگرانی را تبدیل به آرامش کند؛ بلکه باید گفت که در مقابل ناراحتی و ناامیدی ای که در مردم وجود دارد، یاری دهنده مظلومان و مردم را آماده قبول کردن تمام ظلم و ستم ها نماید.

ایمان به جریان مهدویت، عامل تقویت کننده و نیرو دهنده ای است که نیروی مقاومت و ایستادگی را در دل مظلومان به وجود می آورد و از خاموش شدن مشعل انتقام مظلومان و گردباد ناامیدی، جلوگیری نماید.

این جریان که با اعتقاد دینی آمیخته است، ثابت می کند که در آینده، جریان

۱- ۳۴. این قسمت اشاره به این حدیث متواتر دارد که «اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند در آن روز مردی از اهل بیتم را برمی انگیزد که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که پر از ظلم شده بود». ر.ک: سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷.

عـدالتگرا می توانـد با ظالمان درگیر شود و پایه های ظلم را نابود کند و جهان جدیدی بسازد. هر چقدر ظلم و سـتم در جهان فراگیر شود و بر مقـدّرات تسـلط یابـد، بالاخره بایـد روزی از بین برود و هر چقدر توانا باشد مانند ظلم، یک جریان غیرطبیعی است.(۱) این سـیر، آرزوی هر انسـان و ملّت مظلومی است که چه زمـانی می رسـد تا در جهان، تغییرات سالم صورت گیرد و بنای ظالمانه جهان از نو ساخته شود.

تفکر مهدویت از اسـلام جلوتر و وسـیع تر است و نقش اسـلام در دگرگونی چنین تفکری بسیار خوب بوده است؛ چون اسلام تـوانست تفکر مهـدویت را که در ابتـدا، نیروی عـدالتگرای ناشـناخته ای بـود که ظلم را از جهـان ریشه کن می کرد به یقین و بـاوری صددرصـد در آورد و منجی بشـریت را با تمام خصوصـیاتش به همه شـناساند و مردم به این مطلب رسـیدند که منجی آینـده، در حال حاضـر هم وجود دارد و او نیز هم گام و هم صـدا با مردم برای ایجاد دگرگونی و گسترش عـدالت در جهان، لحظه شماری می کند.

اسـلام، مهـدی علیه السـلام را یک تفکر حقیقی که باید در آینده یافت شود و همچنین به عنوان یک حقیقت مجهول که باید تازه شـکل گیرد و به وجود آیـد، معرفی نمی کنـد؛ بلکه اسـلام، مهـدی علیه السـلام را به عنوان یک حقیقت زنده معرفی می کند که منتظر قیام او هستیم و او فرد شـناخته شده ای است که در کنار ما زندگی می کند و برای تمام ناراحتی ها، مشـکلات، جنگ ها، ظلم ها و جنایت ها که در جای جای

۱- ۳۵. این مطلب اشاره به وعده الهی در قرآن دارد: «وَ نُریدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْاَرضِ و نَجعَلَهُمْ اَئِمَهً و نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ: می خواستیم بر ضعفای این دیار منت گذاریم و پیشوایان و وارثان زمین قرارشان دهیم.» قصص، آیه ۵ و همچنین این آیه: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدینِ کُلِّهِ و لَوْ کَرِهَ الْمُشْـرِکُونَ: تا بر همه آیین ها پیروزش کنـد، حتّی اگر مشـرکان کراهت داشـته باشـند.» توبه، آیه ۳۳. در مورد تفسیر این دو آیه درباره امام زمان «عجل اللّه تعالی» ر.ک: ینابیع الموده، ص ۴۵۰.

جهان رخ می دهد، ناراحت و غمگین می شود و منتظر روزی است که دست هر مظلومی را بگیرد(۱) و ظالمان را از بین ببرد.

ولی تقدیر الهی این گونه است که این رهبر خودش را به مردم معرفی نکند و بر خلاف اینکه در همین جهان زندگی می کند، رازش را برملا نکند و همراه دیگران، منتظر آن روز موعود باشد. روشن است که تفکر اسلامی به وجهی که گفته شد، فاصله بین تمام مظلومان جهان و مهدی علیه السلام را نزدیک تر کرده و پلی را که بین این دو است را کوتاه تر خواهد کرد، حتّی اگر این انتظار طولانی تر شود.

اعتقاد به مهدی علیه السلام به گونه ای که اسلام آن را معرفی کرده که او انسان زنده ای است و همانند ما زندگی می کند و همانند ما منتظر آن روز است، اعتقاد عدم پذیرش ظلم و ستم را به صورت دایم و کامل به ما می بخشد که این تفکر را در چهره ظلم ستیز او مجسم کنیم. مهدی علیه السلام به زودی ظهور می کند و پیمان هیچ ظالمی را به گردن ندارد؛(۲) پس ایمان به او، نشانه عدم قبول ظلم و هم صدایی با اوست.

۱- ۳۶. این موضوع اشاره به بشارت پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله دارد که در حدیث شریفی فرمود: «اِنَّ فی اُمَتی الْمَهدی، یَخْرُجُ یَعیش خَمْساً اَوْ سَبْعاً {الشک من الراوی} قال: قُلنا: و ما ذلِکَ؟ قالَ: سِنین، قالَ: فَیجی ء اِلَیْهِ الرَجُل فَیَقُول یا مَهدی اَعْطِنی اعطنی قال: فَیحثی لَه فی ثَوبه مَا اسْتَطاعَ اَنْ یَحْمِلُهُ: در امّت من مهدی وجود دارد، او قیام می کند و پنج یا هفت سال زندگی می کند (شک این تعداد از راوی است) پرسیده شد: یعنی چه؟ گفت: یعنی سال ها زندگی می کند. فرمود: اشخاص و مردان نزد او می آیند و درخواست می کنند، ای حضرت مهدی به ما عطا کنید، پس از آن، به آنها آن قدر می دهد که توانایی حمل آن را داشته باشند.» این روایت در صحیح ترمذی آمده است. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ شیخ منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۴۳ و اشارات زیادی بر این دارد که امام مهدی علیه السلام زنده و سالم در میان امّت زندگی می کند و قیام و زندگی اش هفت سال طول می کشد، این به معنای ظهور و برپایی حکومت مبارکی است که همراه با عدالت و آزادی می باشد.

۲- ۳۷. روایت شده که: «او در حالی ظهور می کند که بیعت هیچ ظالمی را به گردن ندارد». احتجاج، ج ۲، ص ۵۴۵.

به همین سبب در احادیث، انتظار فرج توصیه شده، انتظار فرج، عاملی است که تفکر ظلم ستیزی و نیز رابطه مردم منتظر با رهبری را تقویت می کند و باعث زنده شدن تفکر ظلم ستیزی در اذهان مردم می گردد؛ البته این ارتباط بین مردم مظلوم و رهبر انتقام گیرنده در صورتی ممکن می شود که مردم، رهبر خود را زنده و شاهد در میان خود ببینند.(۱)

اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام نیرویی در مردم منتظر به وجود می آورد که هرگاه مردم به این مطلب برسند که رهبرشان شاهد مظلومیت، ناکامی، سختی و شکنجه های آنان است و با آنها هم دردی می کند، موجب آرامش و کمتر شدن ناراحتیهایشان را فراهم می آورد.

امّا اکنون، اعتقاد به زنده بودن مهدی علیه السلام باعث شده است که عده ای از انسان های کوته فکر نتوانند چنین تفکری را هضم کنند و اصل مسئله گسترش عدالت در جهان، توسط منجی را منکر شوند.(۲)

۱- ۳۸. این موضوع به آن اشاره دارد که وجود مبارک حضرت مهدی علیه السلام رویا و اندیشه ای خالی و مجرد نیست که افکار مظلومان را به خود معطوف داشته و آنها را سرگرم و احساساتشان را مشغول کرده؛ بلکه یک حقیقت زنده، عینی و مجسّم است که به طور دقیق در ذات و وجود انسان ها می باشد. این اندیشه همراه وجود آنهاست و با آن زندگی می کنند. مردم با این اندیشه خود را برای پیوستن به قیامی که رهبر منتظَر؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام آن را رهبری خواهد کرد، آماده می کنند و در انتظار هستند و اگر مجرد یک اندیشه و رویای خالی باشد، انتظار نمی رود که یک پیوستگی وجودی و وجدانی و عاطفی میان این اندیشه و وجدان انسان ها باشد. از اینجا اهمیّت موضوع انتظار را متوجه می شویم و فلسفه و اهداف آن تبیین می شود و در یک جمله می توان گفت: این حالت انتظار و آمادگی برای پذیرش منجی مصلح حتّی قبل از ظهور انبیا وجود داشته است.

۲- ۳۹. این سؤال برای برخی از مردم است و در واقع می توان جواب مختصر و سریعی داد؛ گر چه جواب آن به طور مفصل داده خواهد شد. الف - از نظر منطقی محال نیست؛ زیرا این موضوع در حوزه امکان است و وقوع آن امکان دارد. ب - به طور معمول وقوع چنین امری محال نیست؛ زیرا در گذشته به نصّ صریح قرآن کریم در مورد حضرت نوح اتفاق افتاده، آنجایی که می فرماید: «فَلَبِثَ فیهِمْ اَلْفَ سَنَهٍ اِلّا خَمسینَ عاماً: نوح در میان قومش پنجاه سال کمتر از هزار سال زنده ماند.» عنکبوت، آیه ۱۴. نظایر این امر در حال حاضر هم امکان پذیر است.

آنها می پرسند: مهدی علیه السلام که تا به حال ده ها قرن زندگی کرده و شاید قرن های دیگری زندگی کند، چگونه می شود که برخلاف قوانین طبیعت چنین عمر طولانی داشته باشد؟

همچنین می پرسند: چرا خداوند، منجی بشریت را ده ها قرن قبل به دنیا آورد تا برای اصلاح جهان زنده نگاه دارد؟ آیا ممکن نبود که هرگاه جهان، صد در صد آماده پذیرش شد، همان زمان فردی را به دنیا آورد و به او قدرت بدهد که جهان را پر از عدل و داد کند؟(۱)

همچنین می پرسند: مهدی علیه السلام فرزند امام یازدهم علیه السلام است.(۲) وی در سال

۱- ۴۰. این عقیده گروهی از برادران اهل سنّت است. ر.ک: تاج الجامع للاُصول، ج ۵، ص ۳۶۰.
۲- ۴۱. این پرسش ها از قبل بوده است و هم اکنون با شیوه های گوناگون وجود دارد و سند تمامی آنها اوهام و گمان های باطلی است که پایه علمی ندارند؛ بلکه شک هایی محض و تلاش هایی مذبوحانه برای گریز از اصل و لوازم ضروری این موضوع است. چیزی شبیه پاسخ های تردیدآمیز مادیون و ماتریالیست ها است، زمانی که با دلایل عقلی و علمی در مورد وجود خداوند متعال روبرو شدند؛ به یک سری مغالطه و تأویلات زشت که دالّ بر عدم پذیرش دلایل و براهین محکم و قوی است، متوسل شدند، نظیر گفته آنان: اگر خدا وجود دارد، چرا ما او را نمی بینیم؟ و چرا چنین و چنان نمی کند؟ همچنین موضع این افراد در رابطه با دلایل منطقی و روایات متواتر و محکم در مسئله امام مهدی علیه السلام که بیشتر مسلمانان اعمّ از سنّی و شیعه بر آن اتفاق نظر دارند و جای شبهه و انکار برای کسی باقی نمی گذارد تا به این موضوع شک برانگیز و بی پایه پناه آورند که: چرا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را معرفی نکرد؟ آنان نیز این پندار زشت را به وجود آوردند و آن را با توسل به زور به شیعیان نسبت دادند که شیعیان هر روز بر در سرداب آمده و فریاد می زنند و از امامشان ظهورش را می خواهند؛ البته آنان در اینکه کدام سرداب است، اختلاف نظر دارند. عده ای گفتند: در سامرا و عده ای دیگر گفتند: در نجف و گروه دیگر گفتند: در جایی دیگر، شأن این منکرین همین چیزهایی است که همواره حرف های بی منطق و ضد و نقیض می زنند و کارهای بیهوده انجام می دهند. ر.ک: راه و روش حلّ مسئله که در مقدمه آمده است.

۲۵۶ هجری به دنیا آمد(۱) و پدرش در سال ۲۶۰ هجری از دنیا رفته؛ یعنی او در زمان مرگ پدرش چهار یا پنج سال بیشتر نداشته است. این سن برای رهبری صلح جهانی، کم می باشد و پدرش نیز نبوده تا او را برای چنین کاری آماده کند؛(۲) چگونه او از نظر دینی، فکری و عملی برای چنین کار بزرگی آماده شده است؟!

همچنین می پرسند: چگونه رهبری که قدرت دارد و می تواند جهان پر از ظلم و فساد را پر از صلح و آرامش کند؛ چرا زودتر قیام نمی کند تا مردم جهان کمتر سختی بکشند؟(۳)

همچنین می پرسند: فرض کنیم که چنین چیزی امکان دارد؛ ولی آیا می توان حقیقتی را بدون دلیل عقلی و شرعی قبول کرد و تنها به چند حدیثی که از

۱- ۴۲. شیخ مفید در «ارشاد»، ص ۳۴۶. شیخ شعرانی در «الیواقیت» و «الجواهر»، ج ۲، مبحث ۶۵، که هر دو از محققین و بزرگان سنّی و شیعه هستند، ولادت باسعادت امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» در سال ۲۲۵ هجری قمری را ثابت کرده اند. این چیزی است که شکّ و تردیدهای برخی از مدّعیان دانش را به شدت ردّ و باطل می کند: «الائمه اثناعشر کلهم من قریش: ائمه شیعیان، دوازده نفرانـد که همگی از قریش می باشند.» این حدیث برای افرادی است که معتقد و ملتزم به ائمه دوازده گانه که از عترت پاک پیامبرصلی الله علیه وآله هستند، می باشد که اولین آنها امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام می باشد. تمام نصّ ها و احادیثی که وارد شده بر وجود ائمه دوازده گانه، صدق می کند و حدیث متواتر ثقلین پشتوانه محکمی بر آن می باشد. حدیث «مَن مات لایعرف امام زمانه: کسی که امام زمانش را نشناسد و بمیرد...»، شاهد محکمی بر این عقیده است که جز در میان معتقدان ائمه دوازده گانه - شیعیان - کسی آن را قبول ندارد. ر.ک: الاصول العامه للفقه المقارن؛ علامه محمّدتقی حکیم، بحث حجّیت سنّت، ص ۱۴۵ و بالاتر.

۲- ۴۳. طبق نصّ صریح قرآن کریم، کسی که عهده دار کفالت و نگهداری عیسی علیه السلام در طفولیّت شد و به یحیی علیه السلام در کودکی حکمت و حکومت بخشید، می تواند عهده دار زندگی و آماده شدن کسی شود که قرار است زمین را در آخر الزمان از ظلم و جور تطهیر کند. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ ج ۵، ص ۳۴۱ - ۳۴۳.

۳- ۴۴. این مسئله در گرو شرایط خاص خود است، همان طوری که بر اساس مقتضای حکمت، تأخیر ارسال پیامبران و حتّی زمان بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله بر خلاف نیاز جامعه و مردم به آنان حکم شده و در این مسئله نیز چنین است.

طرف پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده، کفایت کرد؟(۱)

همچنین می پرسند: چگونه یک نفر می تواند این همه تغییرات در سطح جهان به وجود آورد؟ چون او هر چقدر هم که بزرگ باشد، نمی تواند تاریخ را بسازد؛ زیرا تاریخ بر اساس یک سری مقدمات پنهان و حلّ درگیری های اجتماعی شکل می گیرد؛ ولی فرد برجسته، مورد انتخاب سیر تاریخ قرار می گیرد که اتفاقات جهان به دست او انجام می شود.(۲)

نیز می پرسند: این فرد از چه طریقی می تواند با تمام حکومت های باطل و ظالم روبرو شود تا در عمق تمام ملّت ها نفوذ کند و به شکل دایمی مالک تمام هستی مردم جهان شود و آنها را از بین ببرد و در برابر تمام قدرت های علمی، سیاسی، اجتماعی و نظامی پیروز شود؛ او با کدام قدرت می تواند، چنین کاری را انجام دهد؟(۳)

این مسائل و اشکالاتی که در اذهان منکران جای گرفته و بر زبان جاری

ص:۳۳

۱- ۴۵. همان طور که خواهد آمد علمای امّت اسلامی بر صحّت احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام اجماع و اتفاق نظر دارند و فقط کسانی که به احادیث آشنایی ندارند، معتقد نیستند. ر.ک: التاج الجامع للاصول؛ ج ۵، ص ۳۶۱.
۲- ۴۶. ما در تاریخ مشاهده نموده ایم که قهرمانان چه کارهایی در تاریخ امّت های خود به ثبت رسانده اند. شهید بزرگوار سیّد محمّد باقر صدر در اینجا راهکار و توضیحی اصیل و بسیار مهم برای حرکت تاریخ و نقش یک قهرمان تاریخی و اهمیّت شرایط تثبیت شده در تأثیر به ما ارائه می دهد. توماس کارلیل در کتاب قهرمانان به نقش قهرمان اشاره نموده است در صورت لزوم به کتاب مذکور رجوع کنید؛ ترجمه دکتر صباعی، چاپ مصر، مجموعه هزار کتاب.
۳- ۴۷. در اینجا اشاره ای است به سلاح های کشتار جمعی که برتر از تمدن و تکنولوژی و شامل رسانه های جمعی و ارتباطی، صوتی و تصویری و تأثیرات شگفت آنها است، در حالی که دیده ایم چگونه سلاح های پدافندی در مقابل این سلاح ها اثر خود را از دست می دهند و همچنین مشاهده کرده ایم تأثیر معنویات در ناکامی و خنثی کردن اثر سلاح های مختلف دشمن و یا کاهش اثر این سلاح ها به اندازه بسیار زیاد که غالباً در انقلاب ها و قیام های مردمی رخ داد.

می کننـد و قیـل و قـال به راه می اندازنـد؛ البته این گونه حرف هـا نـتیجه پژوهش هـای فکری نیست؛ بلکه این تفکرات منشأ روانی نیز دارد و آن این است که آنها به سـبب هیبت و عظمت ظلم و ظالمان و ناامیدی از شـکست دادن آنها، چنین تفکراتی دارند.

آنها، ظالمان و اسـتعمارگران را قدرتمند می بینند و قدرت آنها به حدّی در چشم و مغزشان جای گرفته که تصور از بین رفتن آنها برایشان محال است و به همین سـبب سـخنانی که در مورد شـکست ظالمان می شـنوند، باور نمی کننـد و همین امر باعث شده که آنان چنین تفکراتی داشته باشند و به راحتی عقاید مهدویت را رد کنند.

در این کتاب پرسش های بالا را بررسی می کنیم.

۱. چگونه می شود که مهدی علیه السلام عمر طولانی داشته باشد؟

چگونه می شود که انسان، قرن ها زندگی کند؟ اگر مهدی علیه السـلام مصلح جهانی باشد، او در حال حاضر ۱۱۰۰ سال عمر دارد و به این مطلب اعتراف کرده ایم که او حدود چهارده برابر انسان های معمولی عمر کرده است.

در مورد هر امکانی می توان در سه بعد سخن گفت:

۱) امکان عملی

۲) امکان علمی

۳) امکان منطقی یا فلسفی

امکان عملی؛ یعنی اینکه وقوع موضوعی ممکن و طبیعی باشد و محقَّق هم بشود؛ مثلاً گردش در اطراف کره زمین و فرو رفتن در اعماق دریاها و سفر به کره ماه، اتفاق افتاده و امکانی عملی است.

امکـان علمی؛ یعنی موضوعی که از لحـاظ علمی قابـل انجام دادن باشـد؛ ولی در خارج، امکان وقوع آن نباشـد؛ مثل: سـفر به مریـخ که از لحاظ علمی امکان پـذیر است؛ ولی به علّت نبود امکانات و وسایل مورد نظر تا به حال انجام نشده و ممکن اسـت زمانی این مشـکلات حل شود؛ امّا سـفر به سیاره خورشید،نه تنها از لحاظ عملی، بلکه از لحاظ علمی نیز امکان پذیر نیست؛ به این علت که هنوز امکان ساخت وسایل و ابزاری که بتوان با آن به خورشـید سفر کرد، وجود ندارد؛ از طرف دیگر هیچ وسیله ای تحمل مقاومت در برابر گرما و حرارت خورشید را ندارد.

«امکـان منطقی یـا فلسـفی»، این است که امکـان وجود حقیقتی در دنیا غیرممکن نباشـد و هر موضوعی که امکان وجود آن بر اساس قوانین عقلی که تجربه شـده است، محال به نظر نرسـد؛ مثلاً: تقسـیم کردن سه پرتقال به دو قسـمت مساوی، بدون اینکه هیچ یکٔ از پرتقال ها نصف شود، یک موضوع محال و غیرممکن فلسـفی است؛ زیرا عدد سه فرد و به دو تقسـیم کردن، زوج است. لازمه تقسـیم کردن سه بـدون نصف کردن به دو، این است که عـدد سه، هم زوج و هم فرد باشـد و این از لحاظ قوانین فلسـفی غیرممکن است؛ ولی نسوختن بـدن انسـان با آتش، غیرممکن فلسـفی نیست و وقوع آن از لحاظ قوانین فلسـفی، امکان پـذیر است؛ این موضوع برخلاـف تجربه انسـانی است که هر آنچه حرارتش بیشتر باشـد در چیزی که حرارت کمتری دارد اثر می گذارد؛ پس با این توضیحات به این نتیجه می رسـیم که امکان منطقی وسـعتش از امکان علمی و امکان علمی وسعتش از امکان عملی بیشتر است.

شکّی نیست که طولاـنی شـدن عمر انسـان به هزاران سـال، از لحـاظ فلسـفی موضـوعی ممکن است. این موضوع مسـتلزم یک محال عقلی از قبیل تضاد یا

تناقض نیست تا اینکه بگوییم از لحاظ قوانین فلسفی محال است.

نمی شود گفت که معنی حیات، زنـده بودنی است که به زودی به مرگ منتهی می شود و نمی شود گفت: سـرعت مرگ و یا مرگ زودرس داخل معنی حیات است؛ پس چون طول عمر مستلزم حیات و زندگی ای است که دیرتر مرگ را به همراه دارد و در طول عمر تناقض به وجود می آیـد، به صورتی که در معنی طولانی شدن عمر دو تناقض حاصل شود: ۱. «حقیقت حیات» ۲. «دیررس بودن مرگ»؛ در معنی حیـات، زودرس بودن مرگ وجود دارد که برخلاف دیررس بودن مرگ است. بنابراین در مفهوم طول عمر، اجتماع نقیضین وجود دارد که آن هم غیرممکن می باشد.

امّا این گونه نیست؛ چون زنـدگی مادی یعنی زنده بودنی که در نهایت به مرگ ختم می شود، ولی زودرس بودن، به آن معنا نیست. امکان عملی طولانی شـدن عمر انسان غیر ممکن است. ما در عصـری زنـدگی می کنیم که انسان تا قعر اقیانوس ها می رود و پـای بر کره ماه می گـذارد؛ ولی نمی توانـد وسـیله ای اختراع کنـد تا عمر یک فرد هشـتاد ساله را به هزار سال برسانـد، وگرنه تمام سـرمایه داران و حاکمان تمایل دارنـد که عمرشان هزاران سال طول بکشـد و تا جایی که می تواننـد در این جهان زندگی کنند.

امکان علمی طولانی شـدن عمر انسان، از لحاظ علوم روز به ویژه فرمول های فیزیولوژیکی هیـچ مشـکلی نـدارد و باید درباره این موضوع به عوامل پیری که منجر به مرگ می شود، بررسی و تحقیق کرد.

باید این سؤال را بررسی کرد که آیا پیر شدن، یک حالت طبیعی و قانون تکوینی برای بدن است که از آن گریزی نیست؟ آیا سلول های بدن، عمر مشخصی دارند که در پایان از بین می روند؟ آیا پیر شدن جزء جدا نشدنی

زنـدگی انسان است که بر او مسـلّط می شود تا بـدنش را به طور کامل از کار انـدازد؛ حتّی عوامل خارجی، احتیاط و مواظبت نیز در آن تـأثیری نـدارد؟ یـا اینکه پیر شـدن یـک موضوع طبیعی برای بـدن انسـان است که به سـبب عوامـل خارجی همچون نرسـیدن مواد غـذایی خوب و کامل و یا وارد شدن میکروب و عوامل بیماری زا، بدن دچار نقص می شود، کم کم از کار می افتد و موجب مرگ انسان می شود.

این سؤال در میان دانشـمندان مطرح است و نظرات متفاوتی نسبت به آن دارنـد. عـده ای از آنها پیر و فرتوت شـدن بدن را از این می داننـد که بدن انسان به علت مشـکلات در دریافت مواد غذایی و تولید مثل، دچار بی نظمی می شود و در نهایت منجر به مرگ می گردد.

نظریه طولانی شدن عمر انسان یک موضوع ممکن است و اگر در نظر بگیریم که انسان در طول عمر خود سـلول ها را از نفوذ میکروب ها و سـموم محافظت نمایـد و غـذای سالم و کامل به بـدن برساند؛ نباید هیچ وقت پیر و فرتوت شده و موجب مرگ انسـان شود؛ حـال آنکه بـا از کـار افتادن اعضای بـدن و فرتوت شـدن آنهاست که فرد دچار مرگ می شود. اگر از این نظریه چشم بپوشـیم و بگوییم که پیر شـدن به سـبب عوامل خارجی نیست. بلکه قانون طبیعی بـدن است و خواه ناخواه بر بدن مسـلّط می شود و انتهایش مرگ است.

ما این مسـئله را در اطرافیان خود می بینیم و تجربیّات دانشـمندان ثابت کرده است که پیر شدن در زمان خاصی رخ نمی دهد، برای بعضـی به طور ناگهانی اتفاق می افتـد که صورت با نشاط آنها را پر چین و چروک می کنـد و برای برخی به تدریج رخ می دهـد. عـده ای از مردم در سنّ بالاـ و عـده ای در سنّ پـایین دچار آن می شونـد. تفاوت در این مطلب بیانگر این است که پیری یک قانون طبیعی

می باشد؛ امّا همین قانون طبیعی با برخی مراقبت های ویژه و استفاده از داروها قابل تغییر است.

بنـابراین طولاـنی شـدن عمر انسان از نظر علمی امر محالی نیست اگر پیری و مرگ یک قانون طبیعی باشـد، می توان با کمک علم در این کار دخالت کرد؛ اگر چه اجرای این برنامه تا به حال نتیجه خاصـی برای انسان نداده امّا این کار در مورد حیوانات انجـام شـده؛ به هر حـال از لحـاظ علمی ثـابت شـده که طولانی شـدن عمر انسان تا هزاران سال امکان دارد. تاکنون این نظریه ثابت نشده است، ولی شاید در آینده ای نزدیک ثابت شود. همین که علم، خواهان اجرای این مطلب است نشان دهنده امکان این کار می باشد.

با این توضیحات می توان گفت که طولانی شدن عمر امام زمان «عجل اللّه تعالی» مطلبی دور از ذهن و ناشناخته نمی باشد.

امکـان دارد این سؤال مطرح شود که این موضوع علمی بـا کوشـش دانشـمندان، شـکل واقعیت به خود نگرفته، چگونه ممکن است که در هزار سال قبل در مورد امام زمان «عجل اللّه تعالی» اجرا شـده و او تا به حال شاداب و جوان مانده باشد؟ این مورد همانند بیماری سرطان است؛ در حالی که هنوز دارویی برای درمان آن به دست نیامده است.

باز این سؤال پیش می آید که چگونه اسلام از علم سبقت گرفته است و فردی با این سنّ را به ما معرفی می کند؟

جواب: این تنها موردی نیست که اسـلام از علوم روز سـبقت گرفته است. آیا اسـلام تا به حال احکام و دستورات زیادی نداده که هم اکنون و بعد از قرن های

متمادی به اسرار آنها پی می بریم؟(۱)

قرآن در هزار سال قبل، بسیاری از مسائل علمی را قبل از به وجود آمدن علم آن، کشف کرده است، در همان سال ها قرآن در هزار سال قبل و پیش از اختراع میکروسکوپ و علم جنین شناسی و اسرار مربوط به آن سخن گفته و اطلاعاتی در اختیار همه مردم جهان قرار داده است؛ نیز قبل از آنکه بزرگ ترین دانشمندان افکاری پیرامون کُرات دیگر به ذهنشان برسد، این رسالت آسمانی اسراری در مورد آنها ذکر نموده و جالب اینکه علم روز، هم اکنون آن نظریات را پذیرفته و ممکن است که با پیشرفت بیشتر علوم به حقایق جدیدتری از علوم اسلامی دست پیدا کنند.

---

۱ – ۴۸. این پرسش هایی که شهید آیت اللّٰه صدر مطرح می کند، به تحکیم حقیقتی مهم منجر می شود و آن اینکه پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله هنگامی که وضعیتی غیرطبیعی و عادی در روند زندگی بشریت وجود داشت، بشارت داد که به وجود امام مهدی علیه السلام، به طور اجمال خبر از تحکیم زود هنگام امکان وقوع این امر است و از تأکید بر ممکن بودن این کار {یعنی طولانی بودن عمر انسان ها}. مانند این پیش بینی و پیش گویی در توجیه مردم به بعضی از حقایق که در این عالم وجود دارد. قرآن مجید و احادیث شریف در موارد بسیاری از طبیعت هستی و حیات خبر داده اند. ر.ک: القرآن و العلم الحدیث؛ دکتر عبدالرزاق نوفل.

همچنین قرآن در مورد معراج پیامبرصلی الله علیه وآله و سیر یک شبه ایشان از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سخن گفته است.(۱)

آیا موضوع معراج پیامبرصلی الله علیه وآله از علم روز سبقت نگرفته است؟ پس خداوندی که قوانین طبیعت را به کار گرفت تا پیامبرش را یک شبه از مسجدالحرام به مسجد الاقصی ببرد، می تواند قوانین طبیعت را در مورد مهدی علیه السلام به کار گیرد و عمرش را طولانی کند. قبل از آنکه علم به چنین چیزی دست پیدا کند.

بله، شاید روزی برسد که انسان هم بتواند به علم طولانی کردن عمر دست یابد.

خداوند متعال امام زمان «عجل اللّه تعالی» را برای یک تغییر بزرگ در جهان در نظر گرفته و این دگرگونی از روز اوّل عمر انسان تا به حال سابقه نداشته است. او می خواهد این تغییر و دگرگونی را در تمام زمین اجرا کند، پس بعید نیست که او نیز یک انسان عادی و معمولی نباشد.

او کسی است که می خواهد تمام قدرت های مادی و ماده پرستی را از بین ببرد؛ پس می تواند خود را از تمام بیماری ها و آفات و هر چیزی که باعث پیری می شود، حفظ نماید و بدنش را هزاران سال سالم و شاداب نگاه دارد و اگر انسان عاقل این تغییر و تحول عظیم را در جهان به وسیله مهدی علیه السلام بپذیرد، می تواند قبول کند که زندگی او هزاران سال ادامه یابد؛ چون مورد اوّل از مورد دوم به مراتب سخت تر و مشکل تر است.

در قرون گذشته، پیامبری به نام نوح علیه السلام می زیست که ۹۵۰ سال مردم را به توحید دعوت می کرد(۲) امّا مردم دعوت او را نپذیرفتند و دچار طوفان شدند و از بین رفتند و نوح یک جامعه جدید بنا کرد.

در آینده نیز چنین اتفاقی خواهد افتاد، مردی که بیش از هزار سال در میان مردم است، دنیا را تغییر می دهد و جهانی نو بنا می کند.

چگونه می شود عمر حداقل هزار ساله نوح را باور کرد؛ ولی عمر مهدی علیه السلام را قبول نکرد؟(۳)

۱- ۴۹. اشاره به این آیه است: «سُبْحانَ الذی اَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاقصی پاک و منزه است خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجد الاقصی برد.» اسراء، آیه ۱.

۲- ۵۰. اشاره به این آیه:«فَلَبِثَ فیهم اَلْفَ سَنَةً الّا خَمسینَ عاماً: او ۹۵۰ سال در میان مردم زندگی کرد.» عنکبوت، آیه ۱۴.

۳- ۵۱. مخاطبین این سؤال، مسلمانان مؤمن به قرآن کریم و احادیث شریف نبوی هستند، چرا که علمای اهل سنّت برای غیر حضرت نوح علیه السلام مقداری بیشتر از این سن را روایت کرده اند. ر.ک: تهذیب الاسماء و اللغات؛ النووی، ج ۱، ص ۱۷۱. صحیح نیست که بگوییم خبر این موضوع را قرآن داده و آن بیان عمر نوح پیامبرعلیه السلام می باشد، امّا اینجا نه نصّ قطعی وجود دارد، نه ارتباط به پیامبری. جواب: این موضوع واحدی است که عبارت است از، واژگونی نظام ظلم و فساد و

سلطه و این همان مأموریتی است که به یکی از پیامبران واگذار و به یکی از برگزیدگان خداوند متعال نیز تفویض شده است، همچنان که در زبان احادیث و روایات صحیح، آمده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود: «لَو لم یبق من الدنیا الا یوم لطوّل اللَّه ذلک الیوم حتّی یبعث رجلاً من اهل بیتی یملاـ الارض قسطاً و عدلاً: اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از اهل بیتم را برانگیزاند تا زمین را پر از عدل و داد کند.» التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳. امّا به لحاظ متون قاطع، احادیثی که در مورد حضرت مهدی علیه السلام آمده از حدّ تواتر گذشته است و این موجب قطعیت و یقین می شود. بنابراین فرقی میان این دو موضوع وجود ندارد. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۵، صفحات ۳۴۱ – ۳۶۰ که تواتر آن را از قول شوکانی نقل نموده است و علما و محققین فریقین (شیعه و سنّی) به این نتیجه رسیده اند که هر کس مهدی علیه السلام را منکر شود، به تحقیق رسالت حضرت محمّدصلی الله علیه وآله را کافر و منکر گشته است. این موضوع، چیزی نیست جز اینکه تواتر احادیث که از ضروریات دین می باشند و علما اجماع دارند که منکر ضروریات دین، کافر است. ر.ک: الاشاعه لاشباط الساعه؛ برزنجی، بحث مهدویت؛ ما جریان تواتر را در مقدمه ذکر کردیم.

۲. معجزه و طول عمر

دانستیم که طول عمر از لحاظ علمی امکان دارد؛ ولی فرض کنیم که از لحاظ علمی پیر شدن یک قانون طبیعی باشد که خواه، ناخواه گریبان انسان را می گیرد و دانشمندان در آینده هم نخواهند توانست این جریان را تغییر دهند. با این اوصاف ما می گوییم که طولانی شدن عمر مهدی علیه السلام ممکن و شدنی است. در قرون گذشته، نوح در میان مردم بود و برخلاف قانون طبیعت هزاران سال عمر کرد. اکنون نیز پس از قرن ها مهدی علیه السلام برخلاف طبیعت و براساس معجزه بیش از هزار سال عمر کرده است. البته این را هم بگوییم که به دفعات اتفاق افتاده

ص:۴۱

که خداوند متعال برای محافظت از رهبری که او را برای هدایت مردم فرستاده، در قوانین طبیعت، وقفه ایجاد نموده است.

آیا طولانی شدن عمر انسان عجیب است یا تأثیر نکردن آتش بر گوشت و پوست انسان؟ بنابر قانون طبیعت هرگاه جسمی بدون حرارت یا دارای حرارت ضعیف در برابر آتش سوزان قرار گیرد، آتش در آن اثر می کند. همچون ابراهیم علیه السلام که قرار است رهبری جامعه اش را به دست گیرد و بنای توحید را در میان آنها به پا دارد، خداوند متعال این قانون را معلق می کند تا از او محافظت کند و به آتش می گوید: «قُلْنا یانارُ کُونِی بَرْداً وَسَلماً عَلَی إِبْرَاهِیمَ»: «ای آتش! در مقابل ابراهیم سرد و سلامت باش».(۱) پس ابراهیم از میان آتش، سالم و زنده بیرون می آید و هیچ صدمه ای نمی بیند و اینجاست که «خداوند، قانون طبیعت را برای نجات یک رهبر دینی تعطیل می کند».

همچنین در حفاظت از جان موسی علیه السلام، برخلاف قانون طبیعت، دریا شکافته می شود(۲)؛ قبیله رومان برای کشتن عیسی علیه السلام آمدند، ولی او به آسمان ها رفت(۳)؛ نیز پیامبرصلی الله علیه وآله در نیمه شب از بین سواران عرب که قصد کشتن او را داشتند، عبور کرد و برخلاف قانون طبیعت، آنها او را ندیدند.(۴) جریانات بسیار دیگری هست که خداوند برای محافظت از رهبر دینی، در قوانین طبیعت وقفه ایجاد کرده که

ص:۴۲

۱- ۵۲. انبیاء، آیه ۶۹.

۲- ۵۳. اشاره به این آیه: «فَاَوْحَیْنا اِلی مُوسی اَنِ اضْرِبْ بِعَصاکَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَکانَ کُلُّ فِرْقٍ کَالطَّودِ الْعَظیمَ: به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن، دریا شکاف برداشت و هر بخشی همچون کوه عظیمی شد.» شعراء، آیه ۶۳.

۳- ۵۴. اشاره به این آیه: «وَ ما قَتَلُوهُ و ما صلبُوهُ و لکِنْ شُبِّهَ لَهُم: در حالی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد.» نساء، آیه ۱۵۷.

۴- ۵۵. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۲۷.

اینها جزو عقاید ضروری مسلمانان می باشد؛ پس باید پیر شدن را که از قوانین غیرقابل تغییر است، در مورد مهدی علیه السلام تغییر یافته بدانیم.

ممکن است این موضوع را یک قاعده کلی در نظر بگیریم که خداوند برای محافظت از حجت خویش، قانون طبیعت را به حالت تعلیق نگه می دارد تا آن شخص بتواند حیات خود را ادامه دهد و هنگامی که مأموریتش را انجام داد، خداوند، قانون در را باز می گرداند که با یک حادثه و یا بر اثر جریان طبیعی زندگی از دنیا برود یا شهید شود.

در اینجا این سؤال مطرح است که: «چگونه می شود قانون طبیعت معلق شود؟(۱) چگونه علاقه ضروری بین علت و معلول از هم گسیخته می شود؟ این برعکس تجربه علمی است که موفق به کشف این قانون طبیعت شده است».

جواب این که بر خلاف عقیده موحّدان و مسلمانان که خواست خداوند را همیشه بر قوانین طبیعی جهان مسلّط و حاکم می دانند، این مطلب را باید مورد توجّه قرار داد که از لحاظ علم و دانش، ضرورت اجرای قوانین طبیعی، ثابت نشده است. اگر چه در دنیا به عنوان قانون طبیعت شناخته شده است، ولی حقایقی بر اساس تجربه به دست آمده است؛ مثلاً هر گاه آب سرد در کنار آتش قرار گیرد، گرمای آتش در آن اثر می کند و آب را به جوش می آورد.

این تجربه کشف یک قانون طبیعی است که هر وقت آب و آتش در کنار هم قرار گیرند، آب به جوش می آید، ولی علم و دانش بین این دو، علاقه ضروری در

---

۱ - ۵۶. بعضی این طور می گویند که فرار با قانون دیگری صورت می گیرد، همان طور که در مورد قانون جاذبه است. قانون جاذبه، اشیاء را به مرکز جاذبه می کشاند. با این حال فرآیند مکیدن آب در نباتات با مویرگ ها به طرف بالا، با قانون دیگری است که همان قانون مویرگ های نباتات به طرف بالا می باشد. ر.ک: القرآن محاوله لفهم امری؛ دکتر مصطفی محمود.

نظر نگرفته است که ضرورتی بر وقوع آن وجود داشته باشد؛ برای اینکه ضرورت، یک حالت نهانی در هر موجودی است که از طریق تجربه و علم به دست نمی آید، منطق دانش روز این گونه است که قانون طبیعی از وجود یک علاقه ضروری بین تأثیرِ مؤثّر و تأثّر متأثّر نیست، بلکه قانون طبیعی از نزدیکی بین دو شیئ مثل آب و آتش می باشد که نتیجه اش به جوش آمدن آب می شود؛ پس اگر معجزه ای رخ بدهد، این نزدیکی و رابطه از بین می رود و این گونه می شود که آب در کنار آتش قرار می گیرد و گرم نمی شود.

در این صورت یک موضوع ضروری را که در منطق علمی جدید محال باشد را به هم نزده است. معجزه با مفهوم دینی قابل قبول تر از منطق فلسفه قدیم است، چون در نظر منطق قدیم، قانون طبیعی از یک علاقه ضروری بین خاصیت دو شی ء می باشد، در مفهوم علاقه ضروری القاء مؤثر از اثر یا مقاومت موجود متأثر از نظر عدم پذیرش اثر، محال است؛ مثلاً غیرممکن است که آتش از سوزش بیفتد، یا اینکه آب در نزدیکی آتش، گرم نشود. این علاقه اثرِ مؤثّر و تأثّر متأثّر در منطق فلسفه روز به قانون اقتران تبدیل شده؛ یعنی این دو با هم مقارن اند، نه اینکه بین این دو ضرورتی باشد.

بر اساس منطق استقرایی که از آن در کتاب «الاسس المنطقیه» به صورت کامل بحث کردیم، فقط در یک جهت بین ما و مکتب فلسفه جدید مخالفت وجود دارد.

فلسفه جدید معتقد است که «نزدیک بودن و تقارن دو چیز با یکدیگر در دفعات مکرر باعث اثبات ضرورت و علّیت بین آن دو نیست». ما موافق این مطلب هستیم؛ امّا می گوییم که بین تمام موارد تقارن، جهت مشترکی وجود دارد؛ مثلاً آتش در هر جا و در هر زمانی که باشد، می سوزاند. اگر میان آتش و سوختن

فقط یک تقارن باشد به این صورت که هر سوختنی که با آتش صورت می گیرد به علت یک تصادف و اتفاق اقترانی است؛ پس در برخی از دفعات، این تقارن تخلف می پذیرد و گاهی بعضی از آتش ها نمی سوزانند.

در آتش و سوختن علاوه بر این که جهت مشترک سوزاندن هست امّا به اثبات نرسیده که آن جهت مشترک، علّیت و ضرورت است؛ احتمال هم دارد که حکمت الهی، موجب تغییر قانون حاکم در عالم شود. در مواردی، حکمت الهی، بر این است که آتش با سوختن متقارن نشود؛ اینجاست که اراده خداوند، مقتضای این حکمت را در برمی گیرد و معجزه به وجود می آید.

۳. ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان «عجل اللَّه تعالی»با ایجاد تغییر و تحول در جهان

سؤال دوم این است که چرا خداوند، یک انسان را تا به حال زنده نگاه داشته و برای او قوانین طبیعت را معلق کرده است؟ چه می شد خداوند او را در همان زمانی که قرار است قیام کند، بیافریند؟ به عبارت دیگر راز طولانی شدن عمر و غیبت طولانی چیست و چه فایده ای دارد؟

اکثر کسانی که چنین سؤالاتی می کنند، نمی خواهند پاسخ مذهب بر اساس عقاید غیبت را بشنوند؛ ما به این مطلب ایمان داریم که ائمه دوازده گانه علیهم السلام مجموعه واحد و بی نظیری هستند(۱) که قابل تعویض و تبدیل نمی باشند؛ ولی

---

۱ – ۵۷. این موضوع اشاره دارد به عقیده شیعه اثنی عشری که استناد آن به دلایل معقول و منقول و بالاخصّ حدیث ثقلین متواتر «انی ترکتُ فیکم ما ان تمسکتم بهما لَن تضلوا بعدی ابداً کتاب اللَّه و عترتی و اهل بیتی: در میان شما دو چیز را باقی می گذارم که اگر به آنها تمسک جویید، گمراه نمی شوید: کتاب خدا و عترتم اهل بیت علیهم السلام.» ر.ک: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ نیز الصواعق المحرقه؛ ابن حجر، ص ۸۹ چنین گفت: بدان که برای اثبات این حدیث {حدیث تمسک} راه های فراوانی وجود دارد که از ۱۰۲۰ صحابی نقل شده است. همچنین رسول خداصلی الله علیه وآله که فرمود: «لن یفترتا حتّی یردی علیّ الحوض... این دوازده نفر جدا نمی شوند تا بر حوض کوثر نزد من آیند...» و نیز فرمود: «الخلفاء بعدی اثنا عشرکلهم من قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر هستند که همگی از قریش می باشند.» مفاد تمام این احادیث اقرار به این معناست.

کسانی که چنین سؤالاتی را مطرح می کنند، توقع دارند که پاسخ هایشان براساس فلسفه های اجتماعی و در پرتو حقایق محسوس عملی، داده شود؛ پس برای جواب به صورت موقت از آنچه که نسبت به شخصیت ائمه علیهم السلام ایمان داریم و خصلت هایی که در آنها سراغ داریم،(۱) صرف نظر می کنیم و این سؤال را این گونه طرح می کنیم: آیا طولانی شدن عمر امام زمان «عجل اللّه تعالی» بر اساس تجربیات به دست آمده، برای ایجاد تحول و تغییر در جهان مؤثر است؟ آیا طولانی شدن عمر، بهتر می تواند این قیام را به اجرا در آورد؟

بله، چنین است. اگر می خواهیم تغییر و تحولی عظیم در سرتاسر جهان به وجود آید به یک قهرمان اجرا کننده نیاز داریم که او باید نسبت به تمام مردم، اتفاقات، اماکن، مسائل اجتماعی و سیاسی، شناخت کافی داشته باشد تا بتواند این تغییرات را لحاظ کند.

اگر این قهرمان همانند نقطه ای ثابت بر روی یک خط طولانی، جامعه های بشری را سیر کند، از لحاظ نیروی نفسانی می تواند در مقابل تمام مسائل اجتماعی بایستد و برخلاف آن حرکت نماید و به پیروزی هم برسد.

---

۱ – ۵۸. پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد ویژگی، نقش، وظایف و اهدافشان فراوان سخن گفته اند، اینکه آنان صاحب دین، شریعت، کشتی های نجات و موجب مصون نگه داشتن امّت از گمراهی هستند، نیز در حدیث ثقلین و «لن یفترقا» بر عصمت دوازده امام تأکید کرده اند. بنابراین عقل نمی پذیرد که آنان باعث مصونیت امّت اسلامی از گمراهی شوند، در حالی عده ای می پندارند که آنان معصوم نیستند. ر.ک: کتاب الاصول العامه للفقه المقارن؛ علامه محمّد تقی حکیم، ص ۱۶۹ به بعد، مبحث محبّیت سنّت.

باید حجم فکری و ادراکات کسی که می خواهد تغییر و تحول در کلّ جامعه بشری ایجاد کند، از حجم آن جامعه بزرگ تر باشد. هر اندازه جهان هستی از لحاظ اجتماعی و سیاسی در مرتبه بالایی قرار داشته باشد، قیام در مقابل آن، احتیاج به فکر و شعور بالاتری دارد.

اگر تقدیر و خواسته الهی در روز موعود این است که جهان پر از ظلم و جور تغییر کند، باید کسی که فهم و شعور او از آن جهان بزرگ تر است، مجری آن کار باشد؛ او نباید دست پرورده دنیا باشد و در جامعه ای بزرگ شود که تمام امور اجتماعی آن بر اساس ظلم و ستم است؛ چون چنین کسی از دنیا کوچک تر است. هنگامی که قرار شد او در محیطی ثابت و اجتماعی، دوران طفولیت خود را سپری کند، چیزی جز قدرت و آزمودن قدرت توسط دیگران نمی توانست در چنین جامعه ای تغییر و تحولی عمیق به وجود آورد؛ برعکس کسی که پرورش یافته محیط دیگری باشد و اجتماعات و قدرت های بزرگ تری را دیده باشد که قبلاً چه سرنوشتی داشتند، متوجه می شود که از بین بردن چنین جوامعی ساده خواهد بود.

او این جریانات را از ابتدای شکل گیری و پذیرش آن، توسط شئون سیاسی و اجتماعی به چشم خود دیده است و هنگامی که آن قدرت ها با وسایل و ابزار خاصی روی کار آمدند و دوران اولیه حکومت خود را گذراندند تا قدرت آنها کامل شود و بر تمام افکار چیره شوند تا زمانی که رو به ضعف و نابودی رفتند و همچنین قدرت های جایگزین آنها را با اندیشه و ظرافت خاصی در طول هزاران سال شاهد بود؛ نه اینکه از دل کتاب های تاریخ خوانده باشد. بی شکّ جامعه و قدرتی را که او می خواهد دگرگون کند، نسبت به جوامع و قدرت های گذشته کوچک تر است.

ص:۴۷

امام زمان «عجل اللّه تعالی» بیش از هزار سال عمر کرده است و قدرت و هیبت چند هزار ساله در وجود او هست، وی به خوبی می داند که چه عواملی باعث به قدرت رسیدن حکومت ها و محیطها و چه عواملی باعث از بین رفتن آنها می شود؛ هر چقدر اجتماعات و قدرت های آنان عمری طولانی داشته باشند در برابر عمر تاریخ، کوتاه و کم هستند.

آیا سوره کهف را خوانده ای؟

جوانمردانی که به خدا ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنها افزود؟(۱) آنها در مقابل حکومتی ظالم قرار داشتند که برای استحکام حکومت خود، خفقان سنگینی را در جامعه حاکم کرده بودند، مردم نمی توانستند از توحید، سخنی به زبان آورند؛ باید تخته چوب های بی جان را می پرستیدند. حتّی حق نداشتند در مورد توحید فکر کنند. آنان کسانی بودند که قدرت مبارزه با این ظلم ها و خفقان را نداشتند و از طرفی هم نمی خواستند در جامعه ای زندگی کنند که همانند اصطبل حیوانات باشد و در نهایت تصمیم گرفتند تا خود را از میان آن مردم کثیف نجات دهند و از زمره جانورانی که سرنوشت خود را به دست درندگانی داده بودند، خارج کنند.

آنها به غاری که بیرون شهر بود، پناه بردند و در این فکر بودند که آیا می شود، روزی این حکومت از بین برود؟

آنان در غار به خواب رفتند و بعد از ۳۰۹ سال از خواب بیدار شدند(۲) و دوباره

۱- ۵۹. اشاره به این آیه است: «اِنَّهُمْ فِتْیَهٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ و زِدْناهُمْ هُـدیً: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند و ما نیز بر هدایتشان افزودیم.» کهف، آیه ۱۳.

۲- ۶۰. اشاره به این آیه: «وَ لَبِثُوا فی کَهْفِهِمْ ثَلاثَ مِائهٍ سِنینَ وَ ازْدادُوا تِسْعاً: آنها سیصد سال در آن غار ماندند و نه سال نیز بر آن افزودند.» کهف، آیه ۲۵.

جان گرفتند و بر اجتماع وارد شدند و دیدند، همان حکومتی که آنها را با ظلم و زور آواره کرده بود، از بین رفته و هیچ اثری از آن نمانده است؛ حتّی به عنوان قصّه و داستان نیز سخنی از آنها به زبان نمی آمد. تمام این مسائل برای این بود که خداوند، باطل را در نزد آنها کوچک و ناچیز گرداند و سرنوشت حکومتی را که در نظرشان پرقدرت بود، توانستند با چشم خود ببینند.

این جریان دقیقاً برای طولانی شدن عمر قائم آل محمّدصلی الله علیه وآله اتفاق می افتد و چنین قدرتی پیدا می کند که اشیاء غول پیکر را خرد و کوچک و درختان سر به فلک کشیده را همچون نهال و طوفان های ویران کننده را همچون یک نسیم ملایم مشاهده می کند.(۱) اضافه بر این، زندگی چند هزار ساله، تجربیاتی به بار می آورد که برای رهبری این قیام و انقلاب بزرگ مفید است، به این علت که او در بیش از هزار سالی که زندگی کرده در اجتماعات و ملّت های مختلف زیسته و در مقابل یک سری تلاش هایی قرار گرفته که آن را در دیگران می بیند و نقاط ضعف و قوت و خطا و درستی را در مردم می نگرد و این عمر طولانی و دیدن تاریخ به چشم خود، برای او تجربه ای را در بر دارد که به هیچ وجه از ظاهر گروه ها و ملّت ها فریب نمی خورد و به راحتی می تواند آنها را تشخیص دهد و ریشه های این تحولات را به خوبی در می یابد.

۱- ۶۱. تمام این مسائل با پرورش و آماده سازی ویژه ای که برای آن حضرت در نظر گرفته شده، ارتباط دارد که در آن قادر است با دیدی عمیق و گستره بیکران به جای دید محدود، با چشمان خودش ببیند. افرادی که به ظاهر خود را غول نشان می دهند و دنیا را به غوغا و هرج و مرج می کشانند و مردم را به هراس و ترس از خود وادار می کنند، کوچک و کم ارزش می بینند. با این دید و شهود گسترده می تواند بهتر و بیشتر، مأموریت و وظیفه آسمانی خود را انجام دهد و هستی را دگرگون سازد، یعنی زمین را پس از ظلم و جور پر از عدل کند، که به جز استعداد، مواهب ذاتی و عنایت خاص خداوند نیست.

اجرای این تحول و دگرگونی عظیم، وظیفه ای می باشد که اسلام به او واگذار نموده است؛ پس، چون این انقلاب، اسلامی است، باید کسی رهبری آن را به عهده داشته باشد که به ابتدای اسلام، نزدیک و شخصیت او بر اساس اسلام اصیل شکل گرفته باشد، به گونه ای که محیط دوران موعود در او اثری نگذارد.

برخلاف این موضوع، اگر قرار می شد که امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» در همان زمان و داخل همان محیط و جامعه زندگی و براساس همان فرهنگ رشد کند، به ناچار تأثیراتی از آن محیط می گرفت، هر چند قصد داشته باشد که جامعه را تغییر دهد. پس نباید او در جامعه ای رشد کند که می خواهد آن را تغییر دهد، بلکه باید در جامعه ای کاملتر از آن باشد و شخصیت او بر اساس معارف اسلامی اوّلیه شکل گیرد.(۱)

ص:۵۰

---

۱ - ۶۲. سزاوار نیست کسی ایراد بگیرد که حضرت محمّدصلی الله علیه وآله با داشتن رسالتی جهانی و مأموریت بزرگ دگرگونی جامعه در متن دوران جاهلیّت زندگی می کرده؛ امّا هیچ گاه از آن تأثیر نگرفته است، همچنان که پیامبران گذشته چنین بوده اند، بنابراین، وحدت نظر و وجه اشتراک این دو نظر چیست؟ جواب: الف - بی شکّ پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله خود را از فرهنگ دوران جاهلیّت کنار کشیده و در آن زمان در عزلت به سر می برده است. ما در سیره نبوی می خوانیم که او تنهایی را دوست داشت و بیشتر اوقات به غار حرا می رفت و در آنجا به مناجات می پرداخت، همچنان که دیگر انبیا، از فرهنگ و کردار امّت خود دوری می کردند و به این وسیله از آنها بیزاری می جستند. قرآن به این موضوع اشاره می کند: «فَلَمّا اعْتَزَلَهُمْ و ما یَعْبُدونَ مِنْ دونِ اللّٰهِ وَ هَبْنا لَهُ اِسحاقَ» مریم، آیه ۴۹. ب - به پیامبر وحی می شود و به طور مستقیم پشتوانه الهی دارد؛ کارها و راه هایی که بایدانجام دهد، گام به گام از راه وحی دریافت می کند؛ امّا امام علیه السلام طبق عقیده شیعه و به طور مستقیم، وحی دریافت نمی کند؛ امام مورد عنایت خداوند و امدادهای الهی قرار می گیرد و آمادگی ویژه و خاص برای امداد در ارتباط با امّت و تمدن اسلامی دارد و در بردارنده پشتوانه اصالت، معرفت و علم از پدران بزرگوارش می باشد. او آگاه به نقاط قوّت، عوامل ضعف و ناکامی تمدن ها است؛ با این دید گسترده می تواند بر کلیه امور تسلط و احاطه پیدا کند. این از اعتقادات شیعیان به توانمندی های علمی و ذاتی امام علیه السلام می باشد که خداوند متعال به ایشان عنایت فرموده است و با این نگرش، امام از نیروها و امدادهای الهی برخوردار می شود. توضیح این مطلب در بحث چهارم خواهد آمد.

۴. رهبری در کودکی

سومین سؤال این است که چگونه ممکن است کسی در سن تقریباً پنج سالگی رهبری جامعه ای را به عهده گیرد؟ آیا می شود در طی این چند سال که او در کودکی به سر می برده، طوری آموزش ببیند که بتواند رهبری جامعه را به عهده گیرد؟

جواب: مهدی علیه السلام جانشین پدرش برای رهبری مسلمین بود؛ یعنی کُلّ امامت در روح و فکر او وجود داشت.

رهبری در کودکی، فقط مخصوص امام زمان «عجل اللّه تعالی» نبوده، بلکه در امامان قبل از او هم وجود داشته است؛ مثلاً امام جوادعلیه السلام در هشت سالگی(۱) و امام هادی علیه السلام در نه سالگی(۲) و امام عسگری علیه السلام در ۲۲ سالگی(۳) به امامت رسیدند و می بینید که این موضوع از امام جوادعلیه السلام تا امام زمان «عجل اللّه تعالی» ادامه داشته است تا در سال های اولیه عمر مبارکشان به مقام ولایت و رهبری برسند و روشن است که ائمه علیهم السلام حتّی در سن کودکی و یا نوجوانی از لحاظ روحی و فردی در مقامی بودند که بتوانند به راحتی رهبری جامعه اسلامی را به عهده گیرند و تجربه اجتماع اسلامی در مورد پدران امام زمان «عجل اللّه تعالی» ، خود بزرگ ترین دلیل برای جواب این سؤال است.(۴)

توضیح مطلب فوق این است:

الف: جانشینی ائمه علیهم السلام همانند حکومت موروثی که از پدر به پسر ارث

ص:۵۱

۱- ۶۳. ارشاد؛ شیخ مفید، ص ۳۱۶.

۲- ۶۴. ر.ک: الصواعق المحرقه؛ ابن حجر، ص ۱۲۳.

۳- ۶۵. ر.ک: الصواعق المحرقه؛ ابن حجر، ص ۱۲۳.

۴- ۶۶. ارشاد؛ شیخ مفید، ص ۳۱۹ و الصواعق المحرقه،ابن حجر، ص ۱۲۳.

می رسد یا مثل خلافت فاطمیون و عباسیون نبوده است؛ بلکه پیروی مردم از آنها بر اساس یک سری اصول بنا شده است که باید افکار از لحاظ اعتقادی قانع شوند که آیا آنان لیاقت جانشینی امام را دارند؟ نشانه ها را در او ببینند و رهبری آنان بر اساس عظمت بالای فکری و روحی باشد.

ب: از ابتدای اسلام، گروه کوچکی بوده اند که از لحاظ بینش فکری از همه بالاتر بوده اند که می توانستند، رهبر اسلام را بر اساس علمی که داشته اند تشخیص دهند، ولی در زمان امام باقرعلیه السلام و امام صادق علیه السلام تعداد این افراد زیاد شد و اصول و قواعد پیرامون رهبری که به صورت مبانی اعتقادی برای پیروان این مکتب در آمده بود، چنان دگرگونی فکری و علمی در میان مسلمانان به وجود آورد که صدها نفر از فقها، سخنوران، مفسران و دانشمندان در رشته های گوناگون علوم انسانی و اسلامی را در برگرفت، به طوری که حسن وشا گفت: داخل مسجد کوفه شدم و دیدم که نهصد نفر (۱) استاد می گویند: امام صادق علیه السلام چنین گفته...

ج: اسلام، شرایطی را که برای امام علیه السلام از نظر کفایت و لیاقت برای به دست گرفتن رهبری مسلمانان قرار داده، بسیار سخت و سنگین است؛ چون اسلام به این مطلب ایمان دارد که امام باید از تمام دانشمندان، داناتر باشد.(۲)

د: دین اسلام از ابتدا برای ثبات و اجرای مبانی خود در مورد رهبری اسلام،

۱- ۶۷. رجوع کنید به: امام صادق علیه السلام و مذاهب اربعه، ج ۱، ص ۵۶ و مجالس سینه، ج ۵، ص ۲۰۹.

۲- ۶۸. به نظر شیعیان دوازده امامی، شخص امام، داناترین و عالمترین مردم زمان خود می باشد. رجوع کنید: باب ۱۱! علامه حلی، بنابراین امامان شیعه برای اثبات برتری علم و دانش خود در معرض امتحانات و آزمایشات زیادی قرار گرفته اند و در این آزمون ها پیروز شدند. رجوع کنید: صواعق المحرقه، ابن حجر، ص ۱۲۳ توضیحاتی در این مورد از سؤالات یحیی بن اکثم از امام جوادعلیه السلام نقل کرده است.

جان های عزیز و بزرگی را فدا کرده است، چون از نظر حاکمان آن زمان، نظریه اسلام در مورد رهبری را بزرگترین خطر برای خود می دانستند و لا اقل این گونه فکر می کردند که همین ایدئولوژی، روزی باعث تشکیل انقلاب هایی برای از بین بردن حکومت های ظالم خواهد شد، از همین رو پیروان آن را می کشتند و به زندان می انداختند و صدها نفر از آنها را در گوشه های زندان شکنجه می کردند، ولی آنان دست از اعتقاد به ائمه علیهم السلام بر نمی داشتند و این کار برای آنها گران تمام می شد(۱) و تحمّل این شکنجه ها فقط اعتقاد به مذهب و بزرگترین عبادت و وسایل قرب به خدا بود.

ه: ائمه علیهم السلام انسانهایی گوشه گیر نبوده اند که شیعیان فقط بر اساس گمان بگویند که آنها لیاقت رهبری را دارند. آنها همانند حکام و خلفا نبوده اند که خود را در کاخ و قصر مستور دارند و دست هیچ کسی به آنها نرسد و مردم آنها را نشناسند، بلکه آنان در میان مردم بوده اند، به جز زمانهایی که در زندان یا تبعید به سر برده اند. و ما به وسیله تعداد زیاد راویان و محدثان و مکاتباتی که با مردم داشته و مسافرت های متعدد آنها و نمایندگی علما و دانشمندان و رفت و آمدی که مردم از سرزمین های دور دست داشته اند و اقامه حج(۲) به این مطلب می رسیم که آنها در میان مردم بوده اند، تمام موارد فوق نشان دهنده این است

۱- ۶۹. اعتقاد به امامت ائمه، برای شیعیانشان گران تمام شد و این درتاریخ ثابت شده و هیچ انکاری در مورد آن وجود ندارد و شاهد این مسئله، غائب شدن امام زمان «عجل اللّه تعالی» است. رجوع کنید: مقاتل الطالبین، ابی فرج اصفهانی.
۲- ۷۰. ائمه به این روایات زیادی توصیه کرده اند: رجوع کنید: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۲، کتاب حجت، باب ۲: «انّ الواجب علی الناس بعد ما یقضون مناسکهم ان یاتوا الامام فیسألونه عن معالم دینهم و یعلّمونه ولایتهم و مودّتهم له: بر مردم واجب است، بعد از تمام شدن حجشان که نزد امام بروند واز علوم دینی بپرسند و ولایت و محبت خود را نسبت به او ابراز کنند.»

که ائمه علیهم السلام در سر تا سر جهان با تمام مردم از جمله دانشمندان و غیره رفت و آمد داشته اند و این نکته به اثبات می رسد که آنها از تمام دانشمندان برتر بوده اند.

و: حکومت های آن زمان، از نفوذ ائمه علیهم السلام در میان مردم و از جاذبه ای که داشتند، می ترسیدند و به همین علت تمام تلاش خود را به کار می بردند که این زعامت را در هم شکنند و در این راه از هیچ کاری فرو گذار نکردند و قساوت و جنایت و سرکشی خود را ظاهر نمودند، تا جایی که برای ثبات مقام و حکومت خود به ائمه علیهم السلام ظلم و ستم کردند و باکی از این نداشتند که با این کارهایشان در نزد مسلمانان و مردمی که ائمه علیهم السلام را دوست داشتند، منفور شوند.

اینها نکاتی هستند که غیر قابل تردید می باشند و حقایقی از تاریخ می باشند که شکی در آنها نیست و به این نتیجه می رسیم که: امامت در دوران نوجوانی و جوانی امری واقعی است و گمان و پندار نیست، چون هنگامی که کودکی هشت ساله ادعای امامت می کند و می گوید که خصایص ذاتی امام را دارد و از لحاظ فکری و روحی بر تمام مسلمانان برتری دارد و مردم هم پیرو او می شوند. او باید شعور، درک و علمی فوق العاده در فقه و تفسیر و کلام داشته باشد، چون اگر اینگونه نباشد، نمی تواند مراکز علوم اسلامی را قانع کند. با این اوصافی که گفتیم، امامان علیهم السلام در جامعه ای می زیستند که با تمام مردم رابطه داشتند و افرادی متفکر و اندیشمند نیز اطراف آنها بودند که همیشه اخبار آنها در اختیار متفکرین مسلمان و غیر مسلمان قرار داشت، پس چگونه می شود که کودکی در این شرایط بتواند ادعای امامت کند و مردم را به سوی خود دعوت کند و عموم پیروان، دسترسی به او داشته باشند و جان خود را فدای راه خود کند و به خاطر عقایدش، زندگی اش را در خطر اندازد و با این حال تلاش کند که

ص:۵۴

ادعای خود را ثابت کنـد و اخبار او همیشه سر زبان ها باشـد؟ آیا ممکن است که کودکی ادعای برتری بر همه دانشـمندان را داشته باشد، در صورتی که از لحاظ فکری و علمی همانند کودکان باشد و در روابط اجتماعی مشت او باز نشود؟

اگر فرض کنیم که موارد فوق پوشیده بمانـد، چگونه حکومت ظالم آن زمان در برابر این کودک ساده و بـدون امتیاز اقدامی نکرده، تا باطن و حقیقت او بر همگان آشکار شود؟ در حالی که پیش گرفتن چنین کاری برای آن حکومت، خیلی ساده تر از قتل و زنـدانی کردن است. اثبات عـدم کفایت و لیاقت روحی و فکری فردی که چهل یا پنجاه سال دارد، برای رهبری اسـلام، دشوارتر از کودکی است که هیـچ ذکاوت و علم و درایت امامت در خون او نیست.(۱) پیش گرفتن این روش، بسیار ساده تر و آسانتر از این است که حاکمان دست به قلع و قمع ائمه علیهم السلام و پیروان آنها بزنند.

بی شـک تنهـا دلیلی که باعث سـکوت حاکمان آن عصـر در مقابل امامانی که در سـنین کودکی بوده انـد، این است که خود حکومت ها نیز درک می کردند که امامت آنها در کودکی واقعیت دارد و ساختگی نیست.

حکومت های آن زمان نیز چنـد مرتبه دست به چنین کارهایی زدنـد تا امامان کم سن و سال را به بازی بگیرنـد و رسوا کننـد، ولی این گونه نشـد و آنها شـکست خوردند.(۲) همچنین این امامـان در طول اجرای برنـامه های خود به بسـیاری از مشـکلات برخوردند و مبارزاتی انجام دادند، ولی هیچ گاه کوچکترین تزلزلی

ص:۵۵

---

۱ – ۷۱. به عبـارت دیگر بایـد که از مردم برتر و دانـاتر باشـد، بنـابر اعتقاد شـیعیان دوازده امامی رجوع کنیـد به: حق الیقین فی معرفه اصول الدین، سیّد عبداللّه شبّر، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲ – ۷۲. مـأمون نیز این کـار را انجـام داد و برای آزمـایش امام جواد دست به اینکار زد، ولی دانش امام جوادعلیه السـلام برای خواص و دانایان روشن شد.

پیدا نکردند که اطمینان مردم نسبت به آنها سلب شود.

مطالب فوق نشان دهنده این است که، امامت در سنین ابتدایی زندگی ائمه علیهم السلام واقعیت دارد و گمان و پندار نیست و هر کس که با این اوصاف به دنیا گام بگذارد، چه در سن کودکی و چه در جوانی و چه در کهنسالی باشد، او امام و رهبر مردم است.

نمونه این گونه جریانات در میان وارثان الهی فقط یحیی علیه السلام است که خداوند به او می فرماید: «یایَحْیَی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّةٍ وَآتَیْناهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا»؛ «ای یحیی! این کتاب را با تمام قوت بگیر. و در کودکی به او فرزانگی دادیم».(۱)

پس با این اوصاف که امامت را در سنین کودکی در اهل بیت علیهم السلام به اثبات رساندیم و دانستیم که واقعیت دارد، آیا باز هم کسی هست که بگوید چگونه می شود که مهدی علیه السلام در کودکی به امامت برسد؟(۲)

۵. چگونه ایمان بیاوریم که مهدی علیه السلام وجود دارد؟

سوال چهارم این است که: فرض را بر این بگیریم که وجود چنین رهبری که چنین عمری طولانی داشته باشد و امامتش در خردسالی شروع شده و غیبتش ساکت و بی سر و صدا است، ممکن باشد، ولی آیا این موارد ما را قانع می کند، قبول کنیم که او وجود دارد؟

چگونه می توانیم در این زمان به وجود او ایمان داشته باشیم؟ آیا فقط به

ص:۵۶

۱- ۷۳. سوره مریم، آیه ۱۲.

۲- ۷۴. شیعیان خاص نیز از حضرت مهدی علیه السلام چنین چیزی دیدند وبا او تماس برقرار کردد و از او گرفتند، همان طور که به وسیله نواب چهار گانه این گونه ارتباط برقرار کردند. رجوع کنید به: تبصره الولی فیمن رای القائم المهدی علیه السلام، بحرانی والارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۵ و دفاع عن الکافی، سیّد ثامر العمیدی، ج ۱، ص ۵۳۵ به بعد.

احادیثی که از پیغمبرصلی الله علیه وآله در این مورد که خلاف متعارف است، کفایت کنیم؟ بلکه چگونه می توانیم یک فرد تاریخی در این زمان را اثبات کنیم؟ در حالی که او حقیقت داشته باشد، نه اینکه به خاطر زیاد بودن تلقین بودن یک انسان فرضی در افکار تعداد زیادی از مردم پدید آمده باشد؟(۱)

جواب: اعتقاد به مهدویت که او را به عنوان یک رهبر مورد انتظار مطرح کرده است که جهان را تغییر خواهد داد، عموماً در احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله و خصوصاً در روایات ائمه علیهم السلام آمده است و در مباحث زیادی مورد تأکید قرار گرفته که شکی در آن نیست و حدود چهارصد حدیث از پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد مهدویت در کتاب های برادران اهل سنت آمده است.(۲) تمام روایات و احادیثی که در مورد امام زمان «عجل اللّه تعالی» از طریق شیعه و سنی آمده در حدود شش هزار روایت است و این تعداد بالایی است که در مورد هیچ یک از امور اسلامی مسلم، به این اندازه روایت نشده است.

امّا مصداق دادن این تفکر در مورد امام زمان «عجل اللّه تعالی» می باشد که دارای مدارک کافی و روشن برای اثبات است.

تمام این مدارک را در دو دلیل خلاصه می کنیم:

---

۱ – ۷۵. این پرسش ها را شهید صدر مورد کاوش قرار داد، به دلیل اینکه به عنوان شبهاتی مهم مطرح هستند و این کمترین چیزی است که در این موضوع، مورد شک و شبهه قرار گرفته اند. حتّی برخی از نویسندگان معاصر بدون دلیل و برهان، این شبهات را به همراه سر و صدا و هیاهوی زیادی مطرح کردند و این ها تلاش هایی مذبوحانه و باطلی از طرف فرقه وهابیت برای ترویج و دامن زدن به آنها می باشد. علت ایجاد این شبهه ها بر هیچ کسی پوشیده نیست و شهید صدر به بیان پاسخ های علمی، برای کسانی که طالب حقیقت هستند، اقدام کرده است.

۲ – ۷۶. کتاب المهدی علیه السلام نوشته عموی شهید صدر ملاحظه شود. ر.ک: آنچه که شیخ عبّاد در مجله جامعه الاسلامیه، شماره ۳، سال ۱۹۶۹ نوشته است. ر.ک: به: المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین عسکری.

۱. دلیل اسلامی.

۲. دلیل علمی.

با دلیل اسلامی، وجود رهبر منتظر را ثابت می کنیم.

و بـا دلیل علمی ثابت می کنیم که مهـدی علیه السـلام فقط یک اسـطوره و پنـدار نیست، بلکه او حقیقتی است که وجودش به وسیله تاریخ ثابت شده است.

دلیل اسلامی

در صـدها روایت که از پیامبرصـلی الله علیه وآله(۱) و ائمه علیهم السـلام آمـده، دلالت می کنند که مهدی علیه السـلام وجود دارد و از اهل بیت علیهم السلام(۲) و از فرزندان حضرت زهراعلیها السلام و از نوادگان امام حسین علیه السلام(۳) و او نهمین نواده امام حسین علیه السلام می باشد.(۴)

ص:۵۸

۱- ۷۷. ر.ک: معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، موسسه معارف اسلامی، جز اوّل، احادیث پیامبرصلی الله علیه وآله.

۲- ۷۸. پیامبرصـلی الله علیه وآله فرمود: «مهـدی علیه السـلام از ما اهل بیت علیهم السـلام است که خداوند، کار او را در شبی اصـلاح و درست می کند.» ر.ک: الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۵. همچنین آمده که: پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «اگر یک روز از دنیا باقی مانـده باشد، خداوند، مردی از اهل بیتم را مبعوث می کند که زمین را پر از عدل و داد کند، همان طور که پر از ظلم شده است.» ر.ک: صـحیح سـنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷ وسنن ابن ماجه: ج ۲، ص ۱۳۶۷ و ۴۰۸۵. ر.ک: معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۷ و صفحات بعد که احادیث زیادی از کتب اهل سنت مانند صحاح و مسـندها کـه در ایـن مـورد آمـده است: و ر.ک: موسـوعه الامـام المهـدی علیه السـلام، مهـدی فقیه ایمـانی، جزء اوّل و در آن احادیث و روایاتی از ده ها کتاب علمای سنی در مورد مهدی علیه السلام و اوصاف او آمده است و در این کتاب ها نسخه ای از مناظره شـیخ عبّاد درمورد احادیث و آثار پیرامون امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» وجود دارد.«مهـدی علیه السـلام از خاندان من واز فرزندان فاطمه علیها السلام است.» و ر.ک: صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳- ۷۹. حـدیث «مهدی علیه السـلام از نوادگان حسـین علیه السـلام» بر اساس معجم احادیث مهدی علیه السـلام در ذیل آمده است: اربعون حـدیث، ابی نعیم اصـفهانی همـان طور که در عقـدر الـدرر، مقدسـی شـافعی آمـده و طبرانی در کتاب اوسط از کتـاب المنار المنیف، ابن قیم ذکر کرده است. سیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۹۳. منتخب الاثر، شـیخ لطف اللّٰه صافی گلپایگانی و رجوع کنید به روایت موهنی که می گوید: او از فرزندان امام حسن علیه السلام است که در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۶، سیّد عمیدی آمده است.

۴- ۸۰. ر.ک: روایتی که به این اشاره دارد که: او از فرزنـدان امام حسـین علیه السـلام است. در ینابیع الموده، قنـدوزی حنفی، ص ۴۹۲ و مقتـل الامام الحسـین علیه السـلام، خوارزمی، ج ۱، ص ۱۹۶ و فرائـد السـمطین، جوینی شافعی، ج ۲، ص ۳۱۰ الی

۳۱۵، احادیث ۵۶۱ الی ۵۶۹ و رجوع کنید به منتخب الاثر، علامه شیخ صافی که این روایت را از دو طریق سنی و شیعه روایت کرده {دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۲۹۴}.

همچنین احادیثی که آمده: جانشینان پیامبرصلی الله علیه وآله دوازده نفر هستند.(۱) این احادیث، تفکر عموم مردم را در مورد امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» محدود و مشخص می کند، در حالی که تلاش ائمه علیهم السلام بر این بود که خبرهای پیرامون امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» در دسترس عموم مردم قرار نگیرد و این موضوع را از دشمنان پنهان دارند که مبادا آنها بر علیه او توطئه کنند و به آن حضرت صدمه ای برسانند.(۲)

با این حال، اخبار و احادیث بسیاری در این مورد منتشر شده است و این اخبار و احادیث زیاد، دلیلی بر وجود او نیست و اینکه ما این حقیقت را قبول کنیم، بلکه همراه با این احادیث، دلیل هایی نیز بر صحت این واقعیت دارند. این حدیث شریف نبوی به این معنی که: «جانشینان یا امرای بعد از من دوازده نفر هستند.» یا با عبارات مختلف دیگری در بیشتر از ۲۷۰ روایت از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل

۱- ۸۱. حدیث «الخلفاء بعدی اثنا عشر کلهم عن قریش: جانشینان بعد از من دوازده نفر و همگی از قریش هستند.» یا «لا یزال هذا الدین قائما ما ولیه اثنا عشر کلهم من قریش: این دین تا زمانی قوام و استحکام دارد و پا بر جاست که دوازده نفر که همگی از قریش هستند، سرپرستان آن باشند.» این حدیث متواتر است و در کتب اهل سنت از صحاح و مسندها از راه های متعددی روایت شده و اختلاف کمی در متن آن است؛ بله، در تفسیر آن اختلاف دارند و پریشان می شوند. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام باب استخلاف و صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۱۹، کتاب الاماره و مسند احمد، ج ۵، ص ۹۰ و ۹۳ و ۹۷.

۲- ۸۲. رجوع کنید به: غیبت کبری، سیّد محمّد صدر، ص ۲۷۲ به بعد.

شده است.(۱) و این روایات در کتب مشهور شیعه و سنی از جمله صحیح بخاری(۲)و صحیح مسلم(۳) و صحیح ترمذی(۴) و سنن ابی داود(۵) و مسند احمد حنبل(۶) و مستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری(۷) نقل شده است.

ملاحظه می کنید که این احادیث و روایات را بخاری، محدث سنی نقل می کند، در حالیکه او در زمان امام جوادعلیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام زندگی می کرده است و هنوز امامان به تعداد دوازده نفر نرسیده بودند و این مطلب، روشنگر این است که این حدیث قبل از آنکه تفکر پیرامون دوازده امام علیهم السلام در مغزها شکل گیرد و کامل شود، از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل شده؛ پس با این اوصاف جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی ماند، به اینکه گفته شود این احادیث نشأت گرفته از واکنش اعتقاد افراد دوازده امامی بوده است، چون اگر این احادیث را به پیامبرصلی الله علیه وآله نسبت دهیم، در واقع مجهول و واکنش افراد دوازده امامی می باشد، چون در این صورت معنا ندارد که این روایات عکس العمل اعتقادی افراد دوازده امامی هست، پیش از تکمیل اصل این اعتقاد، آن حدیث در کتاب ها یافت شده، چون عکس العمل هر چیزی متأخر از خود اوست و نه مقدم بر آن.

پس هنگامی که ما یک دلیل مادی و روشنی داریم که این احادیث قبل از تکمیل دوازده امام وجود داشته و در کتاب ها ضبط شده، دیگر جایی برای این

۱- ۸۳. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰.

۲- ۸۴. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۱۰۱، کتاب احکام، چاپ احیاء التراث العربی، بیروت.

۳- ۸۵. ر.ک: التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۴۰. ابوداود در کتاب المهدی به این صورت روایت کرده: «این دین از بین نمی رود، تا دوازده جانشین و امام بر شما..» و ر.ک: سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴- ۸۶. همان.

۵- ۸۷. همان.

۶- ۸۸. مسند الامام احمد، ج ۵، ص ۹۳ و ۱۰۰.

۷- ۸۹. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۱۸.

ادعاها باقی نمی ماند که بگوئید این احادیث عکس العمل اعتقادی دوازده امامی است، در صورتی که آنها یک حقیقت الهی می باشند که: «لا ینطق عن الهوی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی زند.»(۱) و فقط اعتقاد شیعه دوازده امامی است که می گوید امامت از علی علیه السلام شروع و به مهدی علیه السلام ختم شد که قابل تطبیق با این حدیث شریف پیامبرصلی الله علیه وآله است.(۲)

دلیل علمی

دلیل علمی همان تجربه ای است که مردم در طی هفتاد سال که همان غیبت صغری است(۳) به دست آوردند که توضیحاتی در این مورد خواهیم آورد.

غیبت صغری عبارت است از اوایل امامت حضرت مهدی علیه السلام که آن حضرت در آن زمان که در میان مردم بود، پنهان شود و اسمی از ایشان بر زبان ها نباشد، ولی با قلب و عقل خود به مردم نزدیک بود. اگر غیبت صغری همانند غیبت کبری می شد و امام علیه السلام از میان مردم می رفت، اضطراب و سردرگمی شدیدی شیعیان را در بر می گرفت و اساس آنها را متلاشی می کرد، چون تا آن زمان امام در میان مردم بود و مردم مشکلاتشان را به وسیله او حل می کردند، لذا برای اینکه این وضع پیش نیاید و مردم به تدریج به زندگی بدون امام عادت کنند، حضرت مهدی علیه السلام در ابتدا با اینکه از چشم ها پنهان بود، ولی به وسیله

۱- ۹۰. اشاره به این آیه دارد: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی: بر اساس هوی و هوس حرف نمی زند، این نیست جز آنچه به او وحی می شود.» نجم، آیه ۳ و ۴.

۲- ۹۱. عالمان بعد از تطبیق آن و درک صحت آن، در تفسیرش پریشان می شوند و مصادیقی که در مورد آن آمده را قبول نمی کنند، بلکه برخی از آنها تماما غیر معقول هستند، همچون یزید بن معاویه که فاسق علنی و بی بند و بار و کافر است، مصداق این هستند. رجوع کنید به آنچه که «سیّد ثامر عمیدی» از سخنان آنان نقل کرده و این مسئله به صورت دقیق و موشکافانه مورد بررسی و کاوش قرار داده و تفسیر و خیال بافی های آنان را در کتاب دفاع عن الکافی، ج ۱، ص ۵۴۰ به بعد، باطل کرد.

۳- ۹۲. ر.ک: غیبت صغری، سیّد محمّد صدر.

نماینـدگان خود با مردم رابطه داشت و این نمایندگان که از نظر تقوا، زهد و پاکی در میان مردم مشـهور بودند، این امور را به دست گرفتند. آنها به ترتیب چهار نفر بودند:

۱. عثمان بن سعید عمری

۲. محمّد بن عثمان بن سعید عمری

۳. ابوالقاسم حسین بن روح

۴. ابوالحسن علی بن محمّد سُمری

این چهار نفر(۱) به ترتیبی که ذکر کردیم، نمایندگی امام زمان «عجل اللّه تعالی» را به عهده داشـتند و هر گاه یکی از آنها در حال مرگ بود، جانشینش را آن حضرت معرفی می کرد.

نواب، رابط بین مردم و امام بودند که خواسـته ها و مشکلات آنها را به آن حضرت می رساند و جواب شفاهی یا کتبی،(۲) از امـام زمـان «عجـل اللّه تعـالی» می گرفتنـد. این گونه رابطه بـا امام عصـر، برای ملّت آن زمان که از دیـدار با رهبر خود محروم بودند، نوعی دلداری دادن بود.

نکته قابل توجّه اینکه در طی این هفتاد سال، تمام این نامه ها و دست نوشته ها به یک شکل و خط نوشته شده که نشان دهنده این است که امام زمان «عجل اللّه تعالی» آنها را نوشته است.(۳)

«علی بن محمّد سمری» آخرین نائب امام زمان «عجل اللّه تعالی» بود که در پایان عصر

---

۱ - ۹۳. در مورد این چهار نفر رجوع کنیـد به کتاب غیبت صـغری، سیّد محمّـد صـدر، فصل سوم، ص ۳۹۵ به بعد، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۹۸۰.

۲ - ۹۴. این به اسم توقیعـات شـناخته شـده که پاسـخ هـای سوالاـتی است که امـام زمان «عجل اللّه تعالی» از طریق نوشـتاری و گفتاری داده است. رجوع کنید به: احتجاج، طبرسی ۷ ج ۲، ص ۵۲۳ به بعد.

۳- ۹۵. تمام این دست خطها با یک روش و به وسیله یک نفر نوشته شده است.

غیبت اعلام کرد که غیبت صغری تمام شده و غیبت کبری آغاز شده است و دیگر نائبی بین امام و مردم وجود ندارد ؛ عبور و تغییر غیبت صغری به غیبت کبری در زمانی صورت گرفت که شیعیان از لحاظ علمی و شعور دینی به جایی رسیده بودند که از صدمات این دوران در امان باشند و مغزها و افکار برای این نوع تفکر آمادگی پیدا کردند که رهبر شیعه با نیابت عامه از طرف امام زمان «عجل اللّه تعالی» و به دست مردم، فردی متخصص انتخاب شود که به عنوان مجتهد عادل که دارای بصیرت دنیوی و دینی است، از او یاد می شود.

اکنون می توان موقعیت و مطلب را بر اساس مطالب روشن شده گذشته ارزیابی کنیم، تا اینکه به صورت کاملا ـ واضح و روشن درک کنیم که: مهدی علیه السلام حقیقتی است که در میان عده ای از مردم زیسته و شیعیان هفتاد سال تحت رهبری مستقیم او زندگی کرده اند که با نواب او رابطه داشته اند و در طی این هفتاد سال کسی این مطلب را نفهمیده بلکه با کلمات، بازی کرده یا در اقدام های گوناگون، خود را فریب داده و یا در رساندن مطلب، کوتاهی کرده است.

شما را به خدا قسم می دهم! آیا می شود که یک موضوع دروغ، هفتاد سال به وسیله چهار نفر که از لحاظ زمان مختلف بودند، مورد ابتلای مردم باشد و کوچکترین شکی در این مورد به خود راه ندهند و پیرامون اساس و اصل آن چانه زنی کنند و گویا موضوعی است که تنها خود آن را تجربه کرده اند و دیده اند، بدون اینکه از آنان چیزی که موجب تردید و شک شود، صادر شود و بدون اینکه میان این چهار مسئله یک ارتباط ویژه ای وجود داشته باشد و از این بین صفاتی در رفتار خود به دست می آورند که مورد اطمینان و باور اکثریت یا تمام مردم و ایمان بیاورند به موضوعی که آنها ادعا می کنند که این موضوع همراه با زندگی آنان آمیخته شده و به طور محسوس لمس کرده اند.

ص:۶۳

از قدیم گفته اند: ریسمان دروغ، کوتاه است. بر اساس منطق تجربه زندگی، برحسب احتمال چند درصدی، هرچند که غیرممکن است این جریان دروغ باشد، و در طی این هفتاد سال برای مردمی که آن را به عنوان یک حقیقت ثابت قبول کرده اند، کشف نشود، بلکه به عکس، اطمینان آنها به این جریان بیشتر شد.

از اینجا خواهیم دانست که پدیده غیبت صغری را می توان به منزله یک تجربه علمی اثبات شده، قلمداد کرد و در برابر اعتقاد به ولادت(۱) و حیات و غیبت و اعلام عمومی تسلیم شد.(۲)

۶. چرا مهدی ظهور نمی کند؟

امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» برای چه، این مدّت طولانی را در غیبت به سر برده است؟ و اگر منظور این باشد که خود را برای رهبری جامعه آماده می سازد، پس چرا در همان اوایل غیبت صغری، ظهور و قیام نکرد؟ چرا پس از غیبت صغری و به جای اینکه داخل غیبت کبری شود، ظهور نکرد؟ چرا در زمان غیبت صغری که شیعیان، صفوف به هم فشرده ای داشتند و حکومت های آن زمان، قدرت اجرا و ادوات جنگی زمان حاضر را نداشتند ظهور نکرد؟

ص:۶۴

---

۱ - ۹۶. ارتباط امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» با روش های مخصوص شیعیان از طریق نواب و وکلا یا راه های دیگر، یک واقعیت تاریخی ثابت شده انکارناپذیر است. مسئله نواب و سفرای آن حضرت، از دلایل مستند زیاد دیگری که برای ایمان آوردن به کسی که باید ایمان آورد، برتر می باشد. این موضوع مقتضای احادیث متواتر می باشد، مانند حدیث: «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میته الجاهلیه: هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.» و از این قبیل احادیث. مسلماً تمام این مسائل که مورد اتفاق اکثر طوائف و ملّت های اسلامی می باشد، به طور قاطع پاسخگوی شبهات در مورد وجود امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» و استمرار و ادامه زندگی مبارک و شریف او می باشد، ر.ک: غیبت صغری، سیّد محمّد صدر، ص ۵۶۶.

۲ - ۹۷. در توقیع مبارکی که از امام مهدی علیه السلام صادر شده، آمده که آن حضرت بعد از غیبت صغری به شکل کامل و روشنی، رؤیت و مشاهده نخواهد شد و این موضوع مورد اتفاق نظر علمای شیعه می باشد، برای اطلاع بیشتر ر.ک: غیبت صغری، سیّد محمّد صدر، ص ۶۳۹ به بعد.

جواب: هر تغییر اجتماعی، زمانی به نتیجه می رسد که شرایط و امکانات آن فراهم شود که این اهداف تحقق پیدا نمی کند، مگر آنکه این شرایط و امکانات فراهم گردد.

عملیات انقلاب اجتماعی که منحصر به رسالت آسمانی است، متوقف بر شرایط و عوامل زمانی نیست، چون رسالت الهی و آسمانی است، نه از فراهم آمدن شرایط زمانی واجتماعی، امّا برای اجرایی شدن آن به شرایط ثابت شده و موفقیت و زمان بندی آن، ارتباط تنگاتنگی با این شرایط دارد. بنابر مقدرات الهی، زمانی در حدود پنج قرن از زندگی جاهلیت سپری شد، تا آنکه آخرین رسالت ربانی و الهی بر قلب نازنین حضرت محمّدصلی الله علیه وآله نازل شد. چون ارتباط شرایط زمانی ثابت شده برای تحقق این امر، علی رغم نیاز جهانی به این رسالت، در مدّت طولانی، امّا نزول این رسالت می بایست مدّتی به تأخیر افتد؛ تا شرایط لازم که برای جنبه اجرا در کار انقلاب و دگرگونی اجتماع، شامل فراهم آمدن جو مناسب و شرایط عمومی برای ایجاد انقلاب هدفمند و دیگر اینکه برخی از نیازمندیهایی که این حرکت و دگرگونی نیازمند باشد، فراهم گردد.

پس هنگامی که در مورد تحولی که لنین در روسیه به وجود آورد، بیندیشیم، به این مطلب می رسیم که پیروزی او به جنگ جهانی اوّل مرتبط بود، چرا که حکومت روم ضعیف شده بود و این عوامل، فضای مناسبی برای ایجاد تغییر و دگرگونی در روسیه ایجاد کرد.

البته عوامل جزیی و محدود دیگری نیز در پیروزی لنین تأثیر داشت، از جمله: سلامتی لنین در برابر مخاطرات، تا اینکه توانست داخل روسیه شود و انقلاب را رهبری کند واگر برای او اتفاق یا حادثه ای پیش می آمد که او از بین می رفت، انقلاب به این سرعت در سطح شوروی فراگیر نمی شد.

ص:۶۵

در انقلاب های آسمانی سنت خداوند این است که عملیات تغییر و دگرگونی از طرف خداوند وآسمانی است، ولی از لحاظ پیشرفت و نفوذ یک سیر طبیعی را می پیماید و تا زمانی که فضای مناسبی برای ایجاد یا رشد انقلاب پیش نیاید، این امر صورت نمی گیرد؛ از جمله این که اسلام بعد از مدّتی از رحلت پیامبرصلی الله علیه وآله در دنیا ظاهر شد و پیشرفت کرد.

پس اگر خداوند بخواهد، می تواند این فضا و آمادگی را به صورت معجزه بیافریند، در حالی که این کار برخلاف سنت خلقت است، چون آفرینش انسان بر مبنای امتحان و ابتلا و تلاش خود او واگذار شده است، چون تکامل انسان بستگی به این امتحان و ابتلاـ دارد و باید که عمل دگرگونی و تغییر الهی سیر طبیعی خود را طی کند. البته هنگامی که انقلاب در سطح جامعه جای گرفت، اگر موانع و مشکلاتی بر سر راه این انقلاب باشد، گاهی اوقات با کمک ها و عنایات غیبی خداوند رفع می شود، تا مجریان این انقلاب دچار سختی نشوند، از جمله اینکه خداوند، آتش نمرود را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت قرار داد.(۱) همچنین دست یهودی فریبکار را که با شمشیری بر سر پیامبرصلی الله علیه وآله قرار گرفته بود، کوتاه کرد و او را از حرکت باز انداخت.(۲)

همچنین خداوند با فرستادن تند بادی مهیب، خیمه های کفار و مشرکین را

۱- ۹۸. اشاره به این آیه دارد: «قالوا حَرّقوهُ وانصُرُوا آلِهَتَكُم اِنْ كُنْتُمْ فاعلينَ، قُلْنا يا نارُكونى بَرْداً و سَلاماً عَلى اِبْراهيمَ و اَرادوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْاَخْسَرينَ: گفتند: کاری که از شما ساخته است این است که او را بسوزانید و یاری دهنده خدایان خود باشید. گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. آنها قصد نیرنگی به او داشتند و ما زیانکاران کردیم.» انبیاء، آیه ۷۰ - ۶۷.

۲- ۹۹. ر.ک: تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۳ و بحار، ج ۱۸، ص ۴۷ و ۵۲ و ۶۰ و ۷۵، باب معجزات نبی صلی الله علیه وآله.

که در روز خندق در اطراف مدینه بودند را کند و ترس را به جان آنها انداخت.(۱) این را بدانید که این گونه کمک رسانی ها منافاتی با طبیعی بودن انقلاب ندارد و مشخص شد که تا فراهم شدن فضای مناسب، امام زمان «عجل اللّه تعالی» در غیبت به سر خواهد برد.

در پرتو این مطالب دانسته شد که او فقط برای دگرگونی اجتماعی محدود ذخیره نشده است، بلکه خداوند او را برای ایجاد تغییر و دگرگونی تمام عالم هستی ذخیره کرده تا تمام مردم را از تاریکی آزاد کند و نور عدالت را در جهان منتشر نماید.(۲)

اجرای این تغییرو دگرگونی بزرگ، فقط با تلاش او و قدرت الهی و ولایت تکوینی اش کافی نمی باشد، و گرنه تمام این شرایط را وجود مقدس پیامبرصلی الله علیه وآله دارا بود، پس برای تحقق این انقلاب، احتیاج به فضای مناسب و جوی عمومی و آماده و یک محیطی طبیعی است.

آمادگی اجتماعی یعنی رشد فکری و شعور کامل اجتماعی که مردم خود را آماده دریافت عدالت می کنند و این شعور در بین تجربیات گوناگون مردم در طول مدّت زمان هایی به دست می آید، می فهمند که به کمک نیاز دارند، با فطرت پاکش یا به جهان غیبت یا وجود مجهول و پنداری متوجه می شوند.

از نقطه نظر مادی: شرایط زندگی نوین و پیشرفته مادی می تواند توانمندتر از شرایط زندگی گذشته و یا عصرهای پیشین باشد، مانند عصر غیبت صغری، بر

۱- ۱۰۰. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۴، حوادث سال پنجم هجری.

۲- ۱۰۱. همان گونه که در حدیث نبوی به این مطلب اشاره شده که: «اگر یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن را آنقدر طولانی می کند تا مردی از من یا از اهل بیتم را برانگیزد و زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.» ر.ک: التاج الجامع للاصول، منصور علی ناصف، ج ۵، ص ۳۶۰.

پیاده کردن احکام دین و شریعت در کل جهان باشد، به این دلیل که وسایلی وجود دارد که مسافت های دور را نزدیک می کند و ارتباطهای سخت با ملّت های دیگر را آسان می نماید. فراهم آمدن ابزار و وسایلی که ابزار اصلی برای بیداری ملّت های جهان بر اساس این دین و رسالت الهی می باشند و برای تحقق این امر، کمک شایانی می کنند.

امّا مطلبی که در پرسش به آن اشاره شد، این است که اگر امام زمان «عجل اللّه تعالی» در غیبت صغری قیام می کرد با مشکلات کمتری روبه رو بود؟ چون در آن زمان حکومت ها از لحاظ قدرت و ادوات جنگی در حدّ پایینی قرار داشتند و این مطلب درستی است، ولی باید به این مطلب توجّه داشت که لشکریان آنها هر چقدر که قوی باشند در مقابل شکست روحی کاری نمی توانند انجام دهند، سربازی که قدرتمند است و ادوات جنگی دارد، هنگامی که از لحاظ روحی شکست خورده باشد، چه کاری می تواند بکند؟ و چه بسیار جریاناتی در این مورد که در تاریخ نقل شده است؟(۱)

۷. تغییر تاریخ به دست یک نفر

سوال دیگری در اینجا مطرح می شود که: آیا می شود که انسانی آنقدر قدرت داشته باشد که بتواند به تنهایی تاریخ را تغییر دهد و این نقش بزرگ را ایفا کند؟ آیا آن انسان، کسی نیست که شرایط، او را پیشنهاد می کند، تا به وسیله او حرکت انقلاب های اجتماعی تحقق یابد.

۱- ۱۰۲. مصداقی برای این مقوله که شهید صدر بر اساس اطلاع عمیق او نسبت به جامعه بشری بیان کرده، مشاهده کردیم، در سال های ۹۰ میلادی اتحاد جماهیر شوروی که یکی از دو قطبی که بر جهان مسلّط بوده اند، با سرعت بسیار زیاد متلاشی شد، به صورتی که باعث شگفتی همگان گردید.

تفکر پیرامون این سوال بـا نظریه خاصـی از تفسـیر تاریـخ رابطه دارد و آن این است که: انسـان، عامـل دوم سازنـدگی تـاریخ است.(۱) و فقط می تواند تاریخ را بازگو کند و شخصیتی در میان شخصیت های تاریخ باشد و عامل اصلی و اساسی، محیط و شرایط اجتماعی است.

در برخی از کتاب ها که تألیف نموده ایم(۲) توضیح داده ایم که تاریخ دو قطب است:

۱. انسان ها

۲. نیرو مادی مسلّط بر اجتماع

همان گونه که قـدرت مادی و فضای محیط و طبیعت در انسان اثر می گـذارد، همان طور نیز انسان در نیروهای مادی و محیط تـأثیر می گـذارد و اصولاـ این فرضـیه که گفته انـد: حرکت از مـاده شـروع می شود و به انسـان منتهی می شود. دلاـیلی دارد؛ عکس آن نیز هست که می گوئیم: حرکت از انسـان شـروع می شود و به ماده ختم می شود، پس انسان و ماده همیشه در طول تفاعل یکدیگر هسـتند، پس امکان دارد که کسـی برای تغییر تاریخ بزرگتر باشد و می تواند در مقابل تمام عوامل بایسـتد و به تنهـایی تاریـخ تازه ای بسازد، به خصوص اینکه آن فرد دارای رسالت آسـمانی باشـد.(۳) و امـدادهای غیـبی او را بر همه چیز مسلّط می کند. این موضوع در تاریخ پیامبران، بخصوص تاریخ پیامبرصلی الله علیه وآله دیده شده است.

در حقیقت پیامبرصلی الله علیه وآله به حکم و اساس ارتباط رسالت او با خداوند متعال،

۱- ۱۰۳. اشاره دارد به نظریه مادی تاریخی، یعنی تفسیر مارکسی برای تاریخ.ر.ک: اقتصاد ما، ج ۱، ص ۱۹ که در آن تحلیل علمی و سخنان فلسفی عمیقی از قلم شهید صدر وجود دارد.

۲- ۱۰۴. اشاره به کتاب فلسفه ما و مقدمه کتاب اقتصاد ما.

۳- ۱۰۵. ر.ک: کتاب الابطال: توماس کارلیل، ترجمه دکتر سباعی، سلسله الالف کتاب، مصر.

خود، زمام حرکت تاریخ را به عهده گرفت و تمدنی به وجود آورد که شرایط زمانی و مکانی قادر به ایجاد این تمدن نبود. این موضوع را به صورت مشروح و مفصل در مقدمه دوم کتاب «الفتاوی الواضحه» بیان کردیم.

ممکن است همان کاری که به دست پیامبرصلی الله علیه وآله انجام شد، به دست فرزندش امام زمان «عجل اللّٰه تعالی» انجام گیرد. همانطور که آن حضرت نیز وقوع این دوان عظیم را بشارت داده است.(۱)

۸. تغییر و دگرگونی در روز موعود از چه راهی و چگونه رخ می دهد؟

آخرین سوال از سوالاتی که طرح کردیم، این است که از چه راهی می توان تصور کنیم که در این راه آن شخص به پیروزی قاطع برای برقراری عدالت و نابودی پایه های ظلم و استکباری که با او در ستیز خواهند شد، دست می یابد؟

جواب این سوال به این مربوط است که: بدانیم زمان و ساعت ظهور مهدی علیه السلام چه هنگامی است؟ و امکان فرض آنچه که آن مرحله دارای امتیازات ویژه ای و پیچیدگی های خاصی باشد، تا اینکه در پرتو آن تصوری که انقلاب و دگرگونی در آن رخ می دهد و راهی که طی خواهد نمود، ترسیم کنیم. بنابراین تا زمانی که آن شرایط و مراحل برای ما ناشناخته هستند و پیچیدگی های آن برای ما پوشیده است، امکان شناخت و اطلاع رسانی علمی و آنچه که در روز

---

۱ - ۱۰۶. التاج الجامع للاصول، ج ۵، ص ۳۴۳. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «مهدی از من است، پیشانی درخشان، بینی کشیده و باریک دارد و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، پر از عدل و داد می کند.»

موعود، چه اتفـاق خواهـد افتـاد، وجود نـدارد. و اگر فرض و تصورات پیشتر افراد این زمینه را فراهم کنـد که امکان تصور آن وجود دارد، این تصور چیزی جز تصور ذهنی و خیالی نیست و بدور از شالوده های عینی و علمی و حقیقی می باشد.

ولی ممکن است در پرتو احـادیثی که در مورد امـام زمان«عجل اللّه تعالی» آمـده(۱) و تجـاربی که از انقلاـب های بزرگ در تاریـخ آمـوخته ایم، یـک صورت اساسـی برای تغییرو دگرگونی روز موعود فرض کنیم و آن این است که ظهور مهـدی علیه السلام زمانی اتفاق خواهد افتاد که بشریت دچار خلاء فکری و حکومت های اختناق آوری می گردد.(۲) و این سقوطی است که نسـل انسـان را تهدیـد به نـابودی می کنـد و به خـاطر یـک حادثه و تصادف آنی اتفاق نیفتاده است، بلکه این حالت نتیجه طبیعی سیر زندگانی انسان بوده که از تناقضات تاریخی منقطع از خدا در زندگی انسان نشأت گرفته است و در آن زمان است که انسـان دست به هر کاری می زنـد تا از این راه نجات یابـد، ولی نمی شود واین تفکر در ذهن انسان جوشـش می گیرد که آتش ظلم مهار شود و عدل آسمانی بر روی زمین اجرا شود.

ص:۷۱

۱- ۱۰۷. می توان به نشـانه هـای ظهور و یـا درگیری ها و وقایعی که پیش از ظهور و یا همراه ظهور که براساس روایات وارده که تصویری از وقایع صـحیحی در آن آمـده، به بحث مفصل و مبسوط کتاب عصـر ظهور، سـید محمـد صدر رجوع کرد و نیز ر.ک: ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۵۶ به بعد و الاشاعه لا شراط الساعه، محمد حسین برزنجی.

۲- ۱۰۸. این اشـاره ای به آن دارد که جـامعه انسـانی به دلیل درگیری ها و سـبقت گرفتن از یکـدیگر در میان تمـدن مادی و مجموعه هـای سیاسـی، به آن سو کشـیده می گردد که منجر به ناکامی در تحقق امنیت، آرامش و خوشـبختی انسان می شود. نشـانه هـای این خلاـء روز به روز و رفته رفته در عصـر مـا و در تمـام ساکنـان زمین نمایـان می گردد. برای کسـی که اخبار و گزارش هـا و تفسـیرهای خـبری، سیاسـی را دنبـال می کنـد، این مسـئله بسـیار خـوب و لمس شـده است. البته روز موعود دور نخواهد بود.

حمد سپاس مخصوص خداوندی که آفریدگار جهانیان است و سلام و درود برمحمّد و خاندان پاکش، نگارش این کتاب در روز ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۳۹۷ ه.ق شروع و در هفدهم همان ماه تمام شد.

واللّه ولی التوفیق محمّدباقر صدر نجف اشرف

پایان تحقیق این کتاب در ماه رجب المرجب سال ۱۴۱۶هق

در شهر مقدس قم به پایان رسید. دکتر عبدالجبار شراره.

ص:۷۲

منابع تحقیق

۱. احتجاج، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، از علما قرن ششم. تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمّد هادی، زیر نظر علامه شیخ جعفر سبحانی، نشر اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اوّل ۱۴۱۳ هجری.

۲. ارشاد، شیخ محمّد بن نعمان مفید (ت/۴۱۳ هجری) چاپ تهران، ۱۳۷۷ هجری.

۳. الاصول العامه للفقه المقارن، علامه محمّدتقی حکیم، چاپ دوم، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت ۱۹۷۹ میلادی.

۴. اصول کافی، شیخ محمّد بن یعقوب کلینی (ت/۳۲۹ هجری)، انتشارات مکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ هجری.

۵. الاشاعه لاشراط الساعه، سیّد شریف محمّد بن رسول حسینی برزنجی(۱۱۰۳ ه.ق) چاپ اوّل، انتشارات عبدالحمید احمد حنفی، قاهره، (۱۳۷۰ ه.ش)

۶. اقتصاد ما، «اقتصادنا» شهید محمّد باقر صدر، چاپ دارالفکر - بیروت.

۷. بحارالانوار، علامه شیخ محمّد باقر مجلسی (ت/۱۱۱۱ ه.ق) چاپ دارالکتب الاسلامیه - تهران.

۸. الباب الحادی عشر و شروحه، علامه ابومنصور حسن بن یوسف حلی (ت/۷۲۶ ه.ق) تحقیق: دکتر مهدی محقق، انتشارات موسسه آستانه رضوی ۱۳۶۸ هجری.

۹. التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول شیخ منصور علی ناصف، از علماء الازهر، انتشارات مکتب پاموق استانبول، چاپ سوم، دارالاحیاء الکتب العربیه ۱۳۸۱ ه.ق/۱۹۶۱ م.

۱۰. تاریخ الامم و الملوک، امام ابو جعفر محمّد بن جریری طبری (ت / ۳۱۰ ه.ق) چاپ استقامت قاهره، ۱۹۳۹ م.

۱۱. تبصره الولی فیمن رای القائم المهدی، سیّد هاشم بحرانی، انتشارات موسسه معارف اسلامی، قم.

۱۲. التصوف و الکرامات، شیخ محمّدجواد مغنیه، چاپ بیروت.

ص:۷۳

۱۳. تفسیر قرآن عظیم، ابن کثیر دمشقی (ت/۷۷۴ ه.ق) چاپ جدید، انتشارات معرفت، بیروت،۱۹۹۴ م.

۱۴. الجامعه الاسلامیه (مجله)، سال اوّل، شماره سوم، مدینه منوره، ۱۹۶۹ م.

۱۵. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی (ت/۹۱۱ ه.ق) چاپ دارالکتاب العربی، بیروت.

۱۶. حق الیقین فی معرفه اصول الدین، سیّد عبداللّٰه شُبَّر (ت/۱۲۴۲ ه.ق) چاپ عرفان، صیدا، ۱۳۵۲ هجری.

۱۷. دفاع عن الکافی، ثامر هاشم عمیدی، نشر مرکز غدیر دروس اسلامی، قم، ۱۹۹۵ م.

۱۸. سنن ابن ماجه، حافظ ابوعبداللّٰه محمّد بن یزید قزوینی (ت/۲۷۵ ه.ق) تحقیق محمّد فواد عبدالباقی، دارالفکر - بیروت.

۱۹. السیره النبویه، ابن هشام (ت/ ۲۱۸ ه.ق) تحقیق: عبدالحفیظ شلبی، مصطفی السقا، ابراهیم الابیاری، چاپ مصطفی البابی الحلبی، مصر ۱۳۵۵ ه.ق/۱۹۳۶ م.

۲۰. صحیح مسلم، مسلم بن حسین قشیری (ت/ ۲۶۱ه) چاپ دوم، دارالاحیاء التراث العربی - بیروت ۱۹۷۸م.

۲۱. صحیح بخاری، ابوعبداللّٰه محمّد بن اسماعیل بخاری (ت/۲۵۶ ه.ق) نشر موسسه تاریخ عربی - بیروت.

۲۲. صحیح سنن المصطفی، ابوداود سلیمان بن الاشعث سجستانی (ت/۲۷۵ ه.ق) نشر دارالکتاب عربی، بیروت.

۲۳. الصواعق المحرقه، ابن حجر الهیثمی (ت/۹۷۴ ه.ق) چاپ اوّل، انتشارات المیمنیه، مصر، ۱۳۱۲ هجری.

۲۴. تاریخ غیبت صغری، محمّد صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.

۲۵. غایه المأمول شرح التاج الجامع للاصول، شیخ منصور علی ناصف، چاپ بهامش التاج الجامع للاصول.

ص:۷۴

۲۶. الفتاوی الواضحه، شهید امام محمّدباقر صدر، نشر دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.

۲۷. فلسفه ما «فلسفَتُنا»، شهید امام محمّدباقر صدر، چاپ سوم، دارالفکر، بیروت، ۱۹۷۰ م.

۲۸. الفصول المهمه، ابن الصباغ المالکی (ت/۸۵۵ ه.ق) چاپ عدل، نجف اشرف.

۲۹. الفصول المهمه، فی تألیف الامه علامه سیّد عبدالحسین شرف الدین، نشر موسسه بعثت، تهران.

۳۰. المستدرک علی الصحیحین، ابوعبداللّٰه محمّد بن عبداللّٰه حاکم نیشابوری (ت/۴۰۵ ه.ق) دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۸ هجری.

۳۱. مسند الامام احمد بن حنبل، انتشارات دارصادر، بیروت.

۳۲. مع الانبیاء، عفیف عبدالفتاح طباره، نشر مکتب شریف رضی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۱۳ ه.ق.

۳۳. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج علی بن حسین بن محمّد اصفهانی (ت/۳۵۶ ه.ق)

۳۴. الملل و النحل، ابوالفتح محمّد بن عبدالکریم شهرستانی (ت/۵۴۸ ه.ق) چاپ مکتب الانجلو مصر.

۳۵. المهدی الموعود المنتظر، عند علماء اهل السنه و الامامیه شیخ نجم الدین جعفر بن محمّد عسکری، نشر موسسه امام مهدی علیه السلام قم، ۱۴۰۲ هجری.

۳۶. موسوعه امام مهدی، انتشارات مکتب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان، چاپ خیام، قم، ۱۴۰۱ هجری.

۳۷. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، تألیف و نشر موسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اوّل ۱۴۱۱ ه.ق، زیر نظر شیخ علی کورانی.

۳۸. ینابیع الموده، شیخ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، موسسه الاعلمی، بیروت.

گزیده ای از منشورات مسجد مقدّس جمکران

امام مهدی علیه السلام

نام کتاب

نویسنده/مترجم

قطع

قیمت

آخرین پناه

محمود ترحمی

رقعی

۶۰۰۰

آن آشنا آمد

مسلم پور وهاب

پالتویی

۳۰۰۰

آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)

واحد پژوهش انتشارات

رقعی

۱۵۰۰۰

ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام

حسین گنجی

وزیری

۱۵۰۰۰

امامت، غیبت، ظهور

واحد پژوهش انتشارات

رقعی

۶۵۰۰

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام

علم الهدی / واحد تحقیقات

رقعی

۵۰۰۰

امام مهدی درکلام امام علی علیهما السلام(چهل حدیث)

سید صادق سید نژاد

جیبی

۲۰۰۰

امید آخر

حسن محمودی

رقعی

۵۰۰۰

انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام

سکینه طاووسی

رقعی

۱۳۰۰۰

انتظار بهار و باران

واحد تحقیقات

پالتویی

۳۰۰۰

انتظار چیست؟ منتظر کیست؟

واحد پژوهش

رقعی

۴۰۰۰

انتظار و انسان معاصر

عزیز اللّٰه حیدری

رقعی

۴۰۰۰

اوصاف المهدی (اسامی و القاب)

احمد سعیدی

رقعی

۱۵۰۰۰

اولین های مهدویت

محمد خامه یار

پالتویی

۴۵۰۰

او هرجا که هست مرا دوست دارد

مرتضی محیطی

رقعی

۳۰۰۰

بامداد بشریت

محمد جواد مروّجی طبسی

رقعی

۱۱۰۰۰

پایان انتظار

مسلم پور وهاب

پالتویی

۵۵۰۰

پرچم هدایت

محمد رضا اکبری

رقعی

۱۳۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر اوّل)

میرزا حسین طبرسی نوری

رقعی

۷۵۰۰

تشرف یافتگان (دفتر دوم)

میرزا حسین طبرسی نوری

رقعی

۹۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر سوم)

میرزا حسین طبرسی نوری

رقعی

۷۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر چهارم)

میرزا حسین طبرسی نوری

رقعی

۷۰۰۰

تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۲۴۰۰۰

ص:۷۶

تمنای وصال

سیّد غلام رضا حسینی

پالتویی

۳۵۰۰

جزیره خوشبختی

مسلم پور وهاب

پالتویی

۳۰۰۰

جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام

حسین علی پور

رقعی

۹۵۰۰

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۶۰۰۰

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

سیّد مهدی حائری قزوینی

رقعی

۶۰۰۰

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی

رقعی

۲۱۰۰۰

خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)

رضا استادی

رقعی

۱۲۰۰۰

خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)

محمد علی مجاهدی (پروانه)

وزیری

۱۶۰۰۰

دارالسلام

شیخ محمود عراقی میثمی

وزیری

۳۵۰۰۰

داستان هایی از امام زمان علیه السلام

حسن ارشاد

رقعی

۲۰۰۰۰

داغ شقایق (مجموعه اشعار)

علی مهدوی

رقعی

۸۵۰۰

در آسمان عشق

مسلم پور وهاب

پالتویی

۳۵۰۰

در جستجوی نور

صافی، سبحانی، کورانی

رقعی

۴۵۰۰

ذخیره خدا

اسماء خواجه زاده

پالتویی

۲۵۰۰

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

مفید فیاضی

وزیری

۲۴۰۰۰

زمان و مکان دعابرای حضرت صاحب الزمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۹۰۰۰

سخنرانی مراجع در مسجد جمکران

واحد پژوهش

رقعی

۴۰۰۰

سرود سرخ انار

الهه بهشتی

رقعی

۵۰۰۰

سقا خود تشنه دیدار

طهورا حیدری

رقعی

۲۰۰۰

سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی

دکتر عبد اللهی

وزیری

۱۵۵۰۰

سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام

محمّد امینی گلستانی

وزیری

۹۵۰۰۰

سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی

محمد علی مجاهدی (پروانه)

وزیری

۱۸۵۰۰

شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام

علی اصغر رضوانی

رقعی

۷۰۰۰

شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۵۰۰۰

صبح فرا می رسد

مؤسسه فرهنگی توحید

رقعی

۶۰۰۰

صفای دل

زهرا برقی

رقعی

۶۵۰۰

ص:۷۷

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان

سید اسد اللّٰه هاشمی شهیدی

وزیری

۳۸۰۰۰

العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان

علی اکبر نهاوندی

وزیری

۴۲۰۰۰۰

عریضه نویسی

سید صادق سید نژاد

رقعی

۸۰۰۰

عطر سیب

حامد حجتی

رقعی

۳۵۰۰

عطر یاس

مسلم پور وهاب

پالتویی

۷۵۰۰

علی علیه السلام و پایان تاریخ

سید مجید فلسفیان

رقعی

۱۱۰۰۰

غیبت شیخ طوسی «متن و ترجمه»

شیخ طوسی/ مجتبی عزیزی

وزیری

۵۸۰۰۰

فریادرس

حسن محمودی

رقعی

۵۵۰۰

فوز اکبر

محمد باقر فقیه ایمانی

وزیری

۹۰۰۰

کرامات المهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

رقعی

۵۵۰۰

کرامت های حضرت مهدی علیه السلام

واحد تحقیقات

رقعی

۱۰۰۰۰

کلمات قصار امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

رقعی

۹۰۰۰

کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)

شیخ صدوق (ره)

وزیری

۱۰۰۰۰۰

گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

علی اصغر یونسیان

رقعی

۳۰۰۰۰

گفتمان مهدویت

آیت اللّه صافی گلپایگانی

رقعی

۱۵۰۰۰

گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام

محمّدرحمتی شهرضا/حسین احمدی قمی

رقعی

۲۸۰۰۰

مسافر گمشده

مسلم پور وهاب

پالتویی

۲۰۰۰

مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

علی مؤذنی

رقعی

۵۰۰۰

مکیال المکارم (دو جلد)

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

وزیری

۷۲۰۰۰

منجی موعود از منظر نهج البلاغه

حسین ایرانی

رقعی

۴۰۰۰

مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات

عزیز اللّه حیدری

رقعی

۱۰۰۰۰

مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی

العمیدی / محبوب القلوب

رقعی

۱۸۰۰۰

مهدی موعوددر کلام پیامبر محمود

احمد سعیدی

جیبی

۵۰۰۰

مهدی موعودعلیه السلام (دو جلد)

علامه مجلسی / ارومیه ای

وزیری

۱۲۰۰۰۰

مهربان تر از مادر

حسن محمودی

رقعی

۵۰۰۰

مهر بیکران

محمد حسن شاه آبادی

رقعی

۹۰۰۰

ص:۷۸

میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین سیّد مهدی حائری قزوینی

رقعی

۸۰۰۰

میثاق منتظران«۲» شرح زیارت آل یاسین

سیّد مهدی حائری قزوینی

رقعی

۱۰۰۰۰

ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش آموزان

واحد تحقیقات

پالتویی

۳۰۰۰

نامه های جوانان به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

رقعی

۶۰۰۰

نامه های دختران به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

رقعی

۶۰۰۰

نامه های نوجوانان به امام زمان علیه السلام

محمّد تقی اکبر نژاد

رقعی

۵۰۰۰

نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۱۷۰۰۰

نجم الثاقب (دو جلدی)

میرزا حسین نوری(ره)

وزیری

۷۵۰۰۰

نشانه های ظهور او

محمد خادمی شیرازی

وزیری

۱۶۰۰۰

نشانه های یار و چکامه انتظار

مهدی علیزاده

رقعی

۶۰۰۰

نشانه هایی از مهدی علیه السلام

احمد سعیدی

رقعی

۱۰۰۰۰

نیاز جهان به امام زمان علیه السلام

محمّد مولوی

رقعی

۶۵۰۰۰

و آن که دیرتر آمد

الهه بهشتی

رقعی

۴۵۰۰

وظایف منتظران

واحد تحقیقات

جیبی

۲۵۰۰

وعده دیدار

محمود ترحّمی

رقعی

۶۰۰۰

ویژگی های امام زمان علیه السلام

موسوی اصفهانی/حائری قزوینی

رقعی

۲۸۰۰۰

هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام

محمد رحمتی شهرضا

وزیری

۴۵۰۰۰

همراه با مهدی منتظر

مهدی فتلاوی / بیژن کرمی

رقعی

۹۰۰۰

یا اباصالح

مسلم پور وهاب

پالتویی

۲۰۰۰

یاد مهدی علیه السلام

محمد خادمی شیرازی

وزیری

۲۲۰۰۰

یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)

محمد حجّتی

رقعی

۳۰۰۰۰

ص:۷۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹